



گاهنامه علمی، فرهنگی، پژوهشی بشری

مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) داراب

سال دوم / شماره ۳ / مهر - ۱۵ آذر ۹۵ / ۲۰۰۰ تومان



مهدی (ع) منتقم خون حسین (ع)

ثارالله

مسیحی که شاگرد مکتب امیرالمؤمنین علی (ع) شد

جایگاه تبلیغ و مبلغ

جهاد کبیر

بازنجهان نوچه پدر امام است

بازنجهان

بازنجهان پیش از اختتام

بازنجهان



امام خمینی (ره)

اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر (ص) نبود. بعثت و زحمات
جان فرسای نبی اکرم (ص) را طاغوتیان آن زمان به نابودی
کشانده بودند...، لکن اراده خداوند متعال بر آن بوده و هست که
اسلام رهایی بخش و قرآن هدایت افروز را جاوید نگه دارد و با
خون شهیدانی چون فرزندان وحی، احیاء و پشتیبانی فرماید و از
آسیب دهر نگه دارد.

صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۰۶



بشیر الاحمر

فهرست

سخن سر دبیر..... ۲

مرا هدف تیرهای بلا قرار مده..... ۳

راز آفتاب

مهدی (ع) منتقم خون حسین (ع)..... ۴

انتظار فرج..... ۵

آیه های نور

ثار الله..... ۶

زیر نور ماه

مسیحی که شاگرد مکتب امیرالمؤمنین (ع) شد..... ۸

سر دلبران

امام عارفان..... ۱۰

ساقی دشت کربلا..... ۱۲

دانشنامه

مراسم عزاداری از دیدگاه متون دینی..... ۱۳

معرفی کتاب..... ۱۶

علامه طباطبایی..... ۱۷

پژوهش سرا

هدف از نویسندگی..... ۱۸

ادبیات تبلیغ

جایگاه تبلیغ و مبلغ..... ۱۹

بیداری

جهاد کبیر..... ۲۱

دانشتنی ها

خرما..... ۲۵

صافی مو..... ۲۷

مشاوره

شخصیت سالم..... ۲۸

روز شمار..... ۳۰

قاصدک

اخبار فرهنگی..... ۳۲

گزارش پژوهشی..... ۳۴

گزارش آموزشی..... ۳۵

پیام رسان سروش..... ۳۶



صاحب امتیاز: مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س)

مدیر مسئول: زهرا معصومی

سر دبیر: انسیه دهقان

مدیر هنری: سمیه معصومی

طراح: انسیه دهقان

هیأت تحریری: خواهران معصومی، دهقان، قربانی، تاجوران،

قربانی، کمال، صادقی، لژدری، دهقانی، هادیزاده، طاهری

آدرس: فارس، ناراب، بلوار جمهوری

مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س)

تلفن: ۰۷۱۵۳۵۶۴۴۶۱

پست الکترونیکی: nashr.boshra@gmail.com

نشریه بشری از آثار شما استقبال می کند.



حسینی و انا حسینی

سخن سر دبیر

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ
 عالم از شور تو غرق هیجان است هنوز
 کربلای تو پیام آور خون است و خروش
 همه ماه است محرم، همه جا کرب و بلاست
 جاودان بینمت استاده به پیکار، دلیر
 تربت پاک تو ای اسوه آزادی و عشق
 با سلام و درود
 به ره یویان راه ثارالله

و با عرض تسلیت به مناسبت ایام سوگواری سرور و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله
 الحسین (ع) و با آرزوی قبولی عزاداری های همه عزیزان به درگاه احدیت
 پیامبر (ص) می فرماید: «حُسَيْنٌ مِنِّی و اَنَا مِنْ حُسَیْنٍ» و چه خوب که تفسیر این سخن
 رسول خدا (ص) این است که اسلام، «محمّدی الحدوث و حسینی البقاء» است، به راستی
 کدام قیام و انقلاب را می توان به بالندگی، پویایی، ماندگاری، الهام بخشی، تأثیر گذاری،
 روشن گری، قدرت و صلابت حسینی سراغ گرفت.
 در واقع در تحلیل حادثه عاشورا بسیار گفته اند و بسیار خواهند گفت راز ماندگاری حمله
 حسینی، «طراحي الهی» است.
 این شماره نشریه نیز به لطف و عنایت الهی منتشر گردید امیدوارم مورد توجه شما عزیزان
 و فرهیختگان قرار گیرد.
 بار دیگر شما را به همکاری با بشری دعوت می نمایم، ان شاءالله در نشریات بعد، شاهد
 همکاری شما عزیزان باشیم.
 لطفاً ما را از نظرات و انتقادات سازنده خود آگاه نمایید.

حسینی

مهدی (ع) منتقم خون امام حسین (ع)

عفت کمال

کجاست آن عزیزی که پس از ظهورش خون شهید مظلوم کربلا را از دشمنان باز پس خواهد گرفت...

همچنین روایت شده است که حضرت مهدی (ع) پس از ظهور بین رکن و مقام برای مردم خطبه خواهد خواند و در مهم‌ترین قسمت خطبه به صورت مکرر با نهایت اندوه و تأثر شهادت مظلومانه امام حسین (ع) را مورد اشاره قرار خواهد داد از جمله خواهد فرمود: ای مردم جهان! منم امام قائم منم شمشیر انتقام الهی که همه ستمگران را به سزای اعمالشان خواهیم رساند و حق مظلومان را از آنها پس خواهیم گرفت. ای اهل عالم! جدم حسین بن علی (ع) را تشنه به شهادت رساندند و بدن مبارک او را عریان در روی خاکها رها کردند دشمنان از روی کینه توی جدم حسین (ع) را ناجوانمردانه کشتند...

در حقیقت با این گونه از عبارات نوید انتقام خون به ناحق ریخته امام حسین (ع) را به جهانیان خبر می‌دهد.

و هم چنین به دلالت روایات فراوانی شعار یاران امام مهدی (ع) پس از ظهور این جمله بسیار الهام‌بخش است:

يَا نَارَاتِ الْحُسَيْنِ (ع)، ای بازخواست کنندگان خون حسین (ع).

این جمله اشاره به این معنا دارد که هنگام انتقام خون پاک امام حسین (ع) فرارسیده است کسانی که می‌خواهند از دشمنان آن حضرت انتقام خون به ناحق ریخته حجت الهی را بگیرند مهیا شوند.

«اللَّهُمَّ نَرْغِبُ إِلَيْكَ دَوْلَةَ كَرِيْمَةٍ تَعِزُّبِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتَذِلُّبِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ»

پی نوشت:

امیر صادق سیدزاد، مقاله از تباط حضرت مهدی با امام حسین (ع)

یکی از القاب حضرت مهدی (ع) منتقم است. در توضیح علت برگزیده شدن این لقب بر آن حضرت مطالب زیادی در سخنان اهل بیت (ع) وارد شده است. از جمله در روایتی که از امام محمدباقر (ع) نقل شده، وقتی از آن حضرت سؤال می‌کنند که چرا فقط به آخرین حجت الهی قائم گفته می‌شود؟ آن حضرت در پاسخ می‌فرمایند: چون در آن ساعتی که دشمنان، جدم امام حسین (ع) را به قتل رساندند فرشتگان با ناراحتی در حالی که ناله سر داده بودند عرض کردند پروردگار! آیا از کسانی که برگزیده و فرزند برگزیده تو را ناجوانمردانه شهید کردند در می‌گذری؟ در جواب آنها خداوند به آنان وحی فرستاد که: ای فرشتگان من! سوگند به عزت و جلالم از آنان انتقام خواهیم گرفت هر چند بعد از مدت زمان زیادی. آن گاه خداوند متعال نور و شیخ فرزندان امام حسین (ع) را به آنان نشان داد و پس از اشاره به یکی از آنان که در حال قیام بود فرمود: با این قائم از دشمنان حسین (ع) انتقام خواهیم گرفت.

در تفسیر آیه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا...» هر کس مظلومانه کشته شود ما برای ولی او تسلطی بر ظالم قرار می‌دهیم... از امام صادق (ع) روایت شده است که: مراد از مظلوم در این آیه، حضرت امام حسین (ع) است که مظلوم کشته شد و منظور «جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا» امام مهدی (ع) است.

امام باقر (ع) نیز تصریح می‌کنند: ما اولیای دم امام حسین (ع) هستیم. هنگامی که قائم ما قیام کند پی گیری خون امام حسین (ع) خواهد کرد.

در دعای ندبه نیز به این حقیقت با این تعبیر تصریح شده است: أَيْنَ الْعَالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَوْثَلَا



چو چشم فاطمه، دنیا در انتظار فرج

دلم گرفته خدایا در انتظار فرج
دو دیده ام شده دریا در انتظار فرج
هنوز می رسد از کوچه های شهر حجاز
صدای گریه زهرادر انتظار فرج
هنوز در همه عالم میان دشمن و دوست
علی است بی کس و تنها در انتظار فرج
هنوز می رسد از چاه های کوفه به گوش
صدای ناله مولاد انتظار فرج
هنوز ناله کشد از جگر امام حسن
کشوده دست دعا در انتظار فرج
هنوز پرچم سرخ حسین متظر است
کشوده چشم به صحرا در انتظار فرج
هنوز می رسد آوای دلربای حسین
زنون نیزه اعداد انتظار فرج
هنوز تشنه لبان انگشتان بودجاری
کنار کشته ستاد انتظار فرج
هنوز خون شهیدان کربلا جاری است
ز چشم زینب کبرادر انتظار فرج
هنوز ناله "میثم" رسد به گوش که هست
چو چشم فاطمه، دنیا در انتظار فرج

غلامرضا سازگار

چشم منم
چشم خون

نار الله

و حق و خداوند کشته شده‌اند، خون‌خواه آنان خود خدا است. همان‌گونه که ولی آنان خدا است، هر چند در ظاهر، برای فرزندان ایشان حق قصاص محفوظ است. ۵

گفتنی است که واژه «نارالله» در چندین زیارت امام حسین (ع)، مانند زیارت عاشورا آمده است که خود این زیارت مقدس، بر اساس نقل محدثان و روایان آن، از احادیث قدسی است که در واقع، سخن خداوند با الفاظ معصوم (ع) است. ۶

ایا لقب «نارالله» و ابن ناره» (خون خدا و فرزند خون خدا) برای امام حسین (ع) مانند «ابن الله» برای حضرت عیسی (ع) که در قرآن (توبه، آیه ۳) به شدت نکوهش شده، نیست؟

گاهی برخی بیمار دلان می‌گویند: وصف امام حسین (ع) به «نارالله» و «ابن ناره» مانند آن است که مسیحیان به حضرت عیسی (ع) «ابن الله» می‌گویند.

طرح این شبهه، حاکی از ناآگاهی این گروه از معانی «نار» و اطلاق «نارالله» به امام حسین (ع) است، چه این که اولاً، در لغت عرب، «نار» به معنای خون نیامده است، بلکه «نار» به معنای خون بها و طالب خون است. ۷ بنابراین، «نارالله» به معنای خون خدا نیست، بلکه به این معنا است که خون بهای امام حسین (ع) متعلق به خدا است و او کسی است که خون بهای امام حسین (ع) را خواهد گرفت. این واژه حاکی از آن است که شدت هم‌پستگی و پیوند سیدالشهدا (ع) با خدا به گونه‌ای است که شهادتش هم‌چون ریخته شدن خونی از قبیله خدا می‌ماند که

جز با انتقام‌گیری و خون‌خواهی خدا تقاص نخواهد شد. ۸

ثانیاً، بر فرض که «نار» به معنای خون و مقصود از «نارالله» خون خدا

معنای «نارالله» چیست؟ آیا اطلاق این کلمه به امام حسین (ع)، ریشه قرآنی دارد؟

الف) «نار» از ریشه «نَّار» و «نَّوَّر»، به معنای انتقام و خون‌خواهی و هم‌چنین به معنای خون آمده است. ۱ برای «نارالله» معنای و جوه مختلفی ذکر شده است که هر یک، تفسیر خاص خود را می‌طلبد و در مجموع، به این معنا است که خداوند، ولی‌دم آن حضرت است و خون آن بزرگوار را از دشمنانش طلب می‌کند؛ زیرا ریختن خون سیدالشهدا (ع) در کربلا تجاوز به حریم و حرمت الهی و روبه‌رو شدن با خداوند است و به طور کلی، از آن جهت که اهل‌بیت (ع) «أهل الله» هستند، شهادت این امامان، ریخته شدن خون متعلق به خداوند است. ۲

ب) هر چند این واژه در قرآن نیامده است، اما می‌توان آن را با آیات قرآنی این گونه توجیه کرد:

خداوند می‌فرماید: (مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَهُ سُلْطَانًا)؛ ۳ یعنی آن کس که مظلوم کشته شده است، برای ولی‌اش سلطه و حق قصاص قرار دادیم.

در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: (لِلَّهِ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا)؛ ۴ یعنی خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند.

می‌توانیم که اهل‌بیت (ع) در اوج قله ایمان قرار داشته، در رأس ایمان آورندگانند. پس خداوند در واقع، «ولی» آنان است و به همین دلیل است که «ولی الله»‌اند.

خلاصه آن که هر کس (صرف نظر از مسلک و مذهبش) که مظلومانه کشته شود، لولیای دم او، حق خون‌خواهی دارند و از آن جا که اهل‌بیت (ع) (به ویژه امام حسین (ع)) مظلومانه و در راه ایمان



پی نوشت ها:

۱. رک: مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۳۷؛ فرهنگ فارسی، ج ۱ ص ۱۱۸۵؛ مفردات راقبه، ص ۸۱
۲. درس هایی از زیارت عاشورا، ص ۱۴؛ شرح زیارت عاشورا، ص ۳۵.
۳. اسراء (۱۷) آیه ۳۳.
۴. بقره (۲) آیه ۲۵۷.
۵. اسراء (۱۷) آیه ۳۳.
۶. رک: مفاتیح الجنان، ص ۸۲۸؛ مصباح المتهجد، ص ۷۲۰؛ کمل الزیارات، ص ۳۲۸؛ اقبال الاعمال، ص ۳۴۱.
۷. رک: لسان العرب، واژه «تار».
۸. رک: فرهنگ عاشورا، واژه «تار».
۹. توبه (۹) آیه ۳۰.
۱۰. نساء (۴) آیه ۷۱.
۱۱. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۲۹؛ ج ۷، ص ۳۶۳.

باشد قطعاً معنای حقیقی نخواهد بود، بلکه یک نوع تشبیه و کنایه و مجاز است، چون مسلم است که خدا موجودی مادی نیست تا دارای جسم و بدن باشد و دستگاه گوارش و مرکز پالایش خون داشته باشد. پس این تعبیر، از باب تشبیه معقول به محسوس است، یعنی همان گونه که نقش خون در بدن آدمی، نقش حیاتی است و بود و نبودش مرگ و زندگی بدن را رقم می زند وجود مقدس امام حسین (ع) نزد خدا و در دین او چنین نقشی دارد و نبودش موجب نابودی اسلام و تشیع است.

اما درباره مسیحیان جای تردیدی نیست که آنان مسیح را فرزند حقیقی خدا می دانند و این نام را نه برای احترام و تشریفات، بلکه به معنای واقعی، بر او اطلاق می کنند و آشکارا در کتاب های خود می نویسند که اطلاق این نام بر غیر مسیح، به معنای واقعی، جایز نیست، چنان که نویسنده کتاب قاموس مقدس آورده است:

«و لفظ پسر خدا، یکی از القاب منجی و منادی ما است که بر شخص دیگر اطلاق نمی شود، مگر در جایی که از قراین معلوم شود که قصد پسر حقیقی خدا نیست».

دیگر این که قرآن کریم در چند جا عقیده خرافاتی و بدعتی مسیحیان را نقل می کند:

(وَقَالَتِ الْنَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ) ۹.

و به شدت آنان را به سبب این بدعت، نکوهش می کند:

(يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ) ۱۰.

اگر مسیحیان، حضرت عیسی (ع) را فرزند حقیقی خدا نمی دانستند، نقل این عقیده و رد آن از سوی خداوند حکیم، موجه نبود. ۱۱.



خانم زهرا معصومی

آن حضرت نپرداخته است می گوید: «پی بردم که حسین (ع) انامه دهنده راه پدرش علی (ع) است و به این موضوع نیز در نوشته هایم اشاره کرده ام. از فسق معلویه و جنایت وی و همچنین ظلم یزید و زورگویی های وی نیز نوشتم.»

جرداق معتقد است که شخصیتی نزدیک به علی (ع) و روش تفکر وی وجود ندارد. او علی (ع) را انسانی ناب برمی شمارد و معتقد است که لازم نیست صفت ربوبیت به ایشان بدهیم؛ علی یک انسان است اما قدرت ایشان در ایجاد نوعی بیداری و نوعی آگاهی جهانی در زمینه حقوق و برابری و عدل و عفو و تسامح باعث شده است تا وی در نظر برخی افراد فرابشری باشد.

جرداق آنگاه می گوید: «علی (ع) یک انسان نمونه بودند. ایشان در دولتش عدالت محمدی (ص) را بنیان نهادند. مگر ایشان نیست که می گوید فقر در وطن، غربت است. مال در غربت، وطن است.»

جرداق در مورد امام علی (ع) می گوید: علی (ع) فرمول کیهانی بی مانند برای تفکر انسانی برگرفته از قوانین ثابت است که زمان و مکان از جوهر آن نمی کاهد. او یک دانشمند، عالم و ادیب در شخصیتی واحد است.

و اینکه مردم دو گروه هستند: یا برادر تو در دین هستند و یا هم نوع تو در آفرینش. این همان چیزی است که جبران خلیل جبران نیز به آن اشاره کرده است. جبران از امام علی (ع) تاثیر پذیرفت و در مورد ایشان می گوید پیامبر (ص) امام علی (ع) را به عیسی بن مریم تشبیه می کرد؛ این تشبیهی تنها جسمانی نیست چون من یقین دارم که نور علی از نور پیامبران و فرستادگان خداوند متفاوت نیست.»

از آنجایی که بخشی از تدریس های جرداق مربوط به امام علی (ع) بود وی به دنبال شناخت بیشتر این شخصیت مطالعات گسترده تری را آغاز کرد. جرداق پس از مدتی بحث و جستجو در کتاب های مختلف دریافت که بیشتر نوشته های پیرامون امام علی (ع) مربوط به امور تاریخی و محدوده زمانی و مکانی معینی است و برای تمام مردم تمام دوره ها مفید نیست. علاوه اینکه بیشتر کتاب ها به موضوعاتی مانند خلافت و غیره پرداخته بودند و کمتر کسی به تالیف از امیر المومنین (ع) بر اساس فکر علوی دست زده بود. تفکری که اگر در جامعای نهادینه می شد آن را زیر و رو می کرد.

سرانجام اینکه شروع به مطالعه عمیق نهج البلاغه از منظری نو نمود و دریافت که حق صحبت پیرامون امام علی (ع) نه تنها ادا نشده است

جرداق محل تولد خود را زیباترین منطقه زمین می دانست و همواره از آن به نیکی یاد می کرد و هیچ وقت حاضر نشد از آن دل بکند. او فواد برادر بزرگش را که یک زبان شناس، شاعر و مهندس بود، بهترین راهنمای خودش در طول زندگی توصیف می کرد. جرج جرداق در زمان کودکی علاقه چندانی به مدرسه نداشت و هر وقت فرصتی می یافت از مدرسه فرار می کرد تا در کنار چشمه سارهای مرجعین و زیر درخت های زیبای آن «دیوان متنی» و «مجمع البحرين» ناصیف یازجی را با علاقه خاصی بخواند. فواد تنها کسی بود که در آن زمان از او دفاع می کرد و اعتقاد داشت جرج جرداق باید به دنبال علاقه خودش برود حتی اگر مستلزم آن فرار از مدرسه باشد. وی سپس یک جلد نهج البلاغه را به جرداق هدیه داد و از آن به بعد کتاب امیر المومنین (ع) نیز به مجموعه مطالعات جرج افزوده شد و تا آخر عمر رهایش نکرد. جرج جرداق به توصیه برادرش هر چه قدر از نهج البلاغه را که در توانش بود حفظ می کرد و در سن ۱۳ سالگی بخش اعظم نهج البلاغه را حفظ بود.

فواد جرداق به برادرش گفته بود که خیر بسیاری در نهج البلاغه نهفته است و خود فواد قصاید بسیاری در مدح امیر المومنین (ع) داشت. قصایدی که عظمت مبادی انسانی امام علی (ع) و نبوغ این شخصیت بزرگ تاریخ را وصف می کرد و جرج در مراسم های مختلف می شنید و بخشی از آنها را در پیوست کتاب «علی و قومیت عرب» افزوده است. جرج جرداق این اتفاق را مقدمه حک شدن تصویر والای امام علی (ع) از زمان کودکی در ذهنش توصیف می کند. جرج جرداق درباره راز عدم نوشتن درباره شخصیت دیگری غیر از علی (ع) گفته است: «عده ای از مردم کشورهای حوزه خلیج فارس و مصر به من پیشنهاد می کردند که مثلاً در مورد عمر و یا دیگران بنویسم. اما من نپذیرفتم نه به این خاطر که بخواهم بگویم عمر و یا کسی دیگری بد است؛ نه اصلاً اینطور نبود، بلکه من پس از علی (ع) کسی را شایسته نوشتن ندیدم و تصمیم گرفتم که جز در مورد علی (ع) ننویسم.»

جرداق درباره سیدالشهدا (ع) نیز می گوید: حسین بن علی (ع) امام عادل بود و در جنگ با یزید فاسق دستور شرعی داشت.

او همچنین درباره قیام امام حسین (ع) و علت اینکه چرا بیشتر به

بلکه شاید در این زمینه بسیار اجحاف شده باشد او امام علی (ع) را شخصیتی فراتر از مکان و زمان محدود یافت و عشق به این امام مسیر زندگی و تألیفات او را تغییر داد و به نویسنده دایره المعارف چند جلدی «علی، صدای عدالت انسانی» تبدیلش کرد. وی در این جلد اول این دایره المعارف با عنوان «علی (ع) و حقوق بشر» با دلایل محکم اثبات کرد که امام علی (ع) پیشرو تمام متفکران اروپا و جهان است. در جلد دوم «علی (ع) و انقلاب فرانسه» پیشرو بودن امام علی (ع) بر فلاسفه انقلاب‌های بزرگ را ثابت کرد. در جلد سوم «علی (ع) و سقراط» از آنجایی که سقراط به عنوان پدر فلاسفه بزرگ بشری شناخته می‌شود جرداق ثابت کرد که دیدگاه‌های امام علی (ع) و سقراط در تمام زمینه‌ها به هم ارتباط دارد.

دایره المعارف جرداق از امام علی (ع) مورد استقبال دانشمندان و بزرگان مسیحی و اسلامی به ویژه شیعیان قرار گرفت. برخی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های ادبی و علمی جهان اسلام و دنیای عرب همچون «میخائیل نعیمه» و شیخ «محمد جواد مغنیه» و برجسته‌ترین علمای شیعه چون آیت‌الله العظمی «بروجردی» و آیت‌الله العظمی «حکیم» و علامه «سید عبدالحسین شرف الدین» او را ستوده‌اند.

جرداق پیرامون جایگاه امام علی (ع) در تفکر مسیحیت می‌نویسد که اگر به برخی از آثار اروپایی در قرون وسطی به ویژه ایتالیا نگاهی بیندازیم درمی‌یابیم که بسیاری از مردم به امام علی (ع) به دلیل شباهت سخنان و روش امام به مسیح (ع)، به عنوان یک قدیس می‌نگرند. جرداق به عنوان نمونه به سخنان اندیشمند فرانسوی «کارا دیفو» اشاره می‌کند که تا چه حد تحت تأثیر شخصیت امام علی (ع) قرار گرفته است. وی از میان مسیحیان عرب نیز به نوشته‌های

«جرجی زیدان»، «جبران خلیل جبران»، «میخائیل نعیمه»، «مارون عبود»، «بولس سلامه»، «فؤاد جرداق»، «عبدالمسیح محفوظ» و شگفتی آنها از شخصیت امام علی (ع) اشاره می‌کند.

ماجرای ملاقات جرداق با رهبر انقلاب

در یکی از این جلسات آقای جرج جرداق، نویسنده مسیحی، خدمت مقام معظم رهبری رسیدند. از آنجا که ایشان نمی‌توانست سوار هواپیما بشود ساحل به ساحل و مرز به مرز از لبنان به عراق دیدن مقام معظم رهبری به تهران آمده بود.

در جریان ملاقات ایشان به زبان عربی با آیت‌الله خامنه‌ای صحبت می‌کرد و آقا هم که به زبان عربی تسلط کامل دارند به زبان عربی با همدیگر صحبت می‌کردند. آقای جرج جرداق خدمت آقا گزارش می‌داد که من کتابی راجع به امام علی (ع) نوشته‌ام و همچنین درخواست صله از مقام معظم رهبری کرد.

آقا فرمودند: «به تهران خیلی خوش آمدید. امیدوارم که سفر بر شما خوش بگذرد. از شهرهای مختلف ایران از جمله مشهد، اصفهان، شیراز و جاهای دیگر حتماً دیدن فرمایید و من به عنوان یک فرزند امیرالمؤمنین از شما تشکر می‌کنم. شما بر من منت گذاشتید و مطالبه صله کردید. صله شما بسیار بزرگ است ولی به یک شرط؛ شرط آن این است که کارتان را تمام کنید «الاحسان بالاتمام». تکمیل کار شما این است که کتابی درباره حضرت زینب، دختر امیرالمؤمنین بنویسید. من قول می‌دهم اگر شما این کتاب را بنویسید خداوند علی‌آعلی صله بزرگی به شما خواهد داد».

آقای جرج جرداق با این سخنان رهبر معظم انقلاب تشکر و خداحافظی کرد. من ایشان را تا دم در بدرقه کردم. در همین اثنا آقای جرج جرداق به من گفت: «این سیدنا القائد بشرنی بالاسلام» و سه بار این حرف را تکرار کرد. یعنی رهبر معظم، من را به اسلام بشارت دادند. گفتم: «ایشان به شما چه گفتند که شما را به اسلام بشارت دادند. گفت: «همین که فرمودند کتابی درباره حضرت زینب بنویس، خداوند علی‌آعلی به شما صله بزرگی خواهد داد. این بشارتی بود به اسلام. یعنی این که اگر من کتابی درباره آن بزرگوار بنویسم توفیق اسلام پیدا خواهیم کرد و مسلمان از دنیا خواهیم رفت.

جرداق جایگاه کتاب نهج البلاغه در تفکر انسانی را در راس و قله می‌داند و اعلام می‌کند تمامی ارزش‌هایی که قرن‌ها دانشمندان و متفکران و جامعه‌شناسان به دنبال کشف و توضیح آن بودند به صورت یکجا در نهج البلاغه آورده شده است. اما جرج جرداق مسیحی پس از سالها مطالعه در مورد امام اول شیعیان در پاسخ به سوالی پیرامون شناختش از تشیع می‌گوید: معنای تشیع نیز پذیرفتن هر آنچه که انسان را از طریق سازمانها و قوانین اجتماعی و سیاسی آزار می‌دهد، است. معنای تشیع دست رد زدن به سوءاستفاده و بهره‌گیری انسانی از انسان دیگر و یا گروهی از گروهی دیگر است. تشیع انقلاب علیه تمام حکومت‌هایی است که با زور به دنبال این اعمال هستند. حوادث شرق همه گویای این مطلب هستند. انقلاب تشیع و شیعیان بر مظلوم حکام در تاریخ جز برای عدالت انسانی و رحمت و مودت، طرفداری از مستضعفان و سرباز زدن در مقابل ظلم نبوده است.

جرج جرداق «نویسنده و روشنفکر لبنانی درس ۸۸ سالگی پدرود حیات گفت. وی اگرچه یک مسیحی شمرده می‌شد اما به قول خودش عاشق مرام و انسانیت علی (ع) بود. وی خود را یک شیعه و علوی می‌دانست. او همان کسی است که از ته دل آرزو می‌کند ای کاش روزگار به ما یک علی دیگر می‌داد.

خطبه معروف امام عارفان

امام سجاد (ع) از پله منبر بالا رفت و خطبه ای را با نوای گرم توحیدی بیان کرد که در این جا به فرازی از آن خطبه می پردازیم:

«انا بن مکه و منی، انا بن الزمزم و الصفا؛ انا بن محمد المصطفی؛ انا بن علی المرتضی؛ انا بن فاطمة الزهراء...»

من فرزند مکه و منایم؛ من فرزند زمزم و صفا؛ من فرزند محمد مصطفی؛ من فرزند علی مرتضی؛ من فرزند فاطمه زهرا...

امام زین العابدین همچنان به معرفی خویش ادامه داد تا آن جا که صدای مردم به گریه بلند شد و ارکان کاخ یزید به لرزه درآمد و یزید از تحت تاثیر قرار گرفتن مردم سخت بیمناک شد. از این رو برای قطع کردن سخنان امام (ع) به مؤذن دستور اذان داد.

مؤذن دربار برخاست و با صدایی که همه می شنیدند، اذان گفت. وقتی به اشهد ان محمدا رسول الله (ص) رسید، امام که هنوز بر بالای منبر قرار داشت، خطاب به یزید فرمود: «ای یزید! این

محمد (ص) که هم اکنون نامش را مؤذن بر زبان آورد و به پیامبری او گواهی داد، جدّ توست یا جدّ من است؟ اگر بگویی

پیامبر (ص) جدّ توست، دروغ گفته ای و کفر ورزیده ای و اگر باور داری که پیامبر (ص) جدّ من است، پس چرا و به چه جرمی

خاندان او را کشتی؟» ۲

آری بزرگ مبلغ نهضت عاشورا رسالت خویش را به نحو شایسته ایفا نمود و چهره مجلس را با تبلیغ رسای خود دگرگون کرد و

مجلس یزید با رسوایی خاندان بنی امیه و یزید بن معاویه پایان یافت.

بازتاب خطبه امام سجاد (ع)

سخنان بزرگ مبلغان اسلام؛ حضرت سجاد (ع) و زینب کبری (س) چنان در روحیه مردم شام تاثیر گذاشت که انقلاب به پا کرد. شامیان دریافتند کسانی که با چنین وضع فجیعی در کربلا شهید شدند، شورش نبودند آنان خاندان کسی هستند که یزید به نام وی بر مسلمانان حکومت می کند.

مؤذن دربار به یزید اعتراض کرد و با شگفتی پرسید: «تو که می دانستی این ها فرزندان پیامبر هستند، به چه علت آنان را کشتی

و دستور دادی اموال آنان را غارت کنند؟» ۳

عالم یهودی که در مجلس یزید بود، پس از شنیدن سخنان امام سجاد (ع) از یزید پرسید: «این جوان کیست؟» یزید گفت: «فرزند

حسین (ع)» یهودی گفت: «کدام حسین؟» آن قدر پرسید تا

دانست این ها از خاندان پیامبر اکرم (ص) هستند. حسین کسی است که مظلومانه در کربلا به شهادت رسیده و او فرزند دختر رسول الله

(ص) است. یزید را مورد سرزنش قرار داد و گفت: «شما دیروز از

پیامبرتان جدا شدید و امروز فرزندش را کشتید!» ۴

عکس العمل یزید

یزید در برابر سرزنش دیگران مجبور شد تا از موضع جابرانه و ظالمانه خود دست بردارد و از آن چه نسبت به خاندان پیامبر (ص) انجام داده

است، معذرت خواهی کند ۵ و مسؤولیت شهادت امام حسین (ع) و یارانش را به گردن فرماندار کوفه یعنی، عبیدالله بن زیاد پسر مرجئه

بیندازد. ۶ ضمن اظهار ندامت از عملکرد خود و لعنت بر پسر مرجئه، از امام سجاد (ع) می خواهد که اگر درخواست یا پیشنهادی دارد،

بنویسد تا آن را انجام دهد. ۷

بدیهی می نماید که نخستین تقاضای امام سجاد (ع) و دیگر اسرای کربلا، سوگواری برای شهیدان به خاک آرمیده شان در سرزمین

گلگون نینوا و بازگشت به شهر پیامبر (ص)، مدینه، شهر خاطره های زنده شهیدانشان باشد.

مدت توقف امام سجاد (ع) و اسرای خاندان پیامبر (ص) را در شام از ده روز تا یک ماه نوشته اند. ۸

پی نوشت ها:

۱. مقاتل الطالبیین، ج ۲، ص ۱۲۱؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۱۰ و مقتل

خوارزمی، ج ۲، ص ۶۹.

۲. همان.

۳. ترجمه مقتل ابی مخنف، ص ۱۹۷.

۴. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۹.

۵. طبقات ابن سعد، ج ۵، ص ۱۵۷.

۶. ترجمه مقتل ابی مخنف، ص ۱۹۸.

۷. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۷۸ و احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۱.

۸. امام سجاد (ع) جمال نیایشگران، احمد ترابی، ص ۱۳۵.

زبان حال حضرت زینب (س) با برادر

ای آیه های فجر من از آسمان بگو
از زخم بی شماره ات ای بی نشان بگو
معراج ارجعی تو در خون چه سان گذشت
در ازدحام آن همه تیغ و سنان بگو
من شرح می دهم غم تراچ خیمه را
از خنجر شقاوت و این ساریان بگو
سرداده اند قهقهه وقتی که خولدمت
از خنجر شکسته ات این بار جان بگو
دارند می برند در این عصر بدرقه
پشت سر مسافر کوفه اذان بگو
اول زین اسیر بنی هاشمی شدم
تا انتهای رفتن در ریمان بگو
عباس غیری من از نیزه پاسخی
بر طعنه های حرمه ی بد دهان بگو
قلمت ببند و ماه شب تار من بمان
در کوچه های زجر هوادر من بمان

اشک فراق چشمم ترم را گرفته است
خنجر کشیده غم جگر مرا گرفته است
از تو بگو چگونه خداحافظی کنم؟
بغضی گلوئی نوحه گرم را گرفته است
ترسم که پای دختر تو له شود در این
زنجیرها که پای حرم را گرفته است
از خیمه های سوخته هر قدر مانده است
چادر که رفته روی سرم را گرفته است
نیزه ز نبش قبر کسی حرف می زند
ناله وجود شعله ورم را گرفته است
هفده سر به نیزه مرا اوج می دهد
حالا که کعب نیزه برم را گرفته است
اینان که دور آینه دیوار می کشند
از تازیانه ها چقدر کار می کشند
علیرضاشریف

السلام علی الرضیع الصغیر

اصغر که به چهره از عطش رنگ نداشت
یاری سخن با من دل تنگ نداشت
یارب تو گواه باش شش ماهه من
شد کشته ظلم و با کسی جنگ نداشت
اصغر که در صف شهدا ماه پاره است
خونش به روز حشر به هر درد چاره است
محکم بگیر رشته قنداقه اش به دست
باب الحوائج است اگر چه شیر خواره است
بشتاب ای عمو جان در خیمه قحط آب است
اصغر فتاده مدهوش در دامن رباب است
شد آب اگر میسر اول بده به اصغر
کاین طفل ناز پرور از تشنگی کباب است

ساقی دشت کر بلا

عباس شقای کر بلا

سقای تشنه لب ..

عباس دستاش را به زیر آب می برد.

نه نه !!

اشتباه نکنید ، نه برای نوشیدن

بلکه برای صحبت !

ای آب تو را بنوشم ؟

آب موج می زند

التماس می کند

تمنا می کند

دلبری می کند

عباس تشنه ای !!

فقط جرعه ای بنوش

و عباس می خندد !!

ای آب

بهر چه اینگونه ملتسمی ؟

من عباسم

من علمدار حسینم

من شیر دشت کر بلایم

من شاگرد علیم

من جان جهل نیام

آب همچنان موج می زند

همچنان التماس می کند

ای بی خبران از چه روی می گوید

که عباس دست به زیر آب برد تا بنوشدش ؟؟؟

عباس قصد کرد

تا قیام قیامت

آب را بنده ی خود کند

آب را ملتمس خود کند

آب را از شرم آب کند

و هنوز هم

و همیشه

آب التماسش را می کند

عباس آب را ریخت و آبرویش را تریخت ..

حضرت علی اکبر (ع)

تو را به دست گرفته به آسمان بدهد

گل محمدی اش را به باغبان بدهد

که برگهای تو را یک به یک جدا کردند

بغل گرفته به زهرا تو را نشان بدهد

برید صوت تو را نیزه ی حسود کسی

به روی حنجره ات آمده اذان بدهد

تو را بریده بریده صدا کند .. ولدی

اگر که هلهله ها یک کمی امان بدهد

بغل گرفته تو را و تن تو می ریزد

خودت بگو که چگونه تو را تکلن بدهد

بلند شو پدرت را به خیمه برگردان

و گرنه پیش تن زخمی تو جان بدهد

بلند شو به لیش بوسه دوباره بده

و گرنه بعد تو بوسه به خیزران بدهد



مراسم عزاداری از دیدگاه متون دینی

در قرآن، آیاتی که به طور صریح و مستقیم بیانگر حکم عزاداری باشد، وجود ندارد؛ اما آنچه اکنون تحت عنوان مراسم عزاداری انجام می‌شود دست تأیید چند گروه از آیات را بالای سر خود دارد:

(الف) آیاتی که به فریاد کردن علیه ظلم، امر می‌کنند یا مجوز می‌دهند؛

(ب) آیاتی که تحکیم ولایت را هدف خود قرار داده‌اند؛

(ج) آیاتی که بر مودت اهل بیت تأکید کرده‌اند.

(د) آیاتی که دلالت بر سوگواری بعضی از انبیا یا دیگر اولیای الهی داشته‌اند؛ مانند سوگواری حضرت یعقوب در فراق حضرت یوسف؛

(ه) آیاتی که بزرگ داشت شعائر الهی را تأکید می‌کنند؛

آیات بسیاری نیز هستند که از طریق روایات معصومین (ع)، به نوعی، با امام حسین (ع) مرتبط شده‌اند؛ اما از آنجا که در این باب نیستند، به آنها نمی‌پردازیم؛ مانند آیه مباهله، که آن حضرت (ع) یکی از مصادیق آن است، یا آیه نفس مطمئنه، که به امام حسین (ع) تفسیر شده است؛ یا آیه‌ای که خداوند از بندگانش، درباره خون‌ریزی و پیمان می‌گیرد؛ در تفسیر برهان، ذیل این آیه آمده است:

وقتی این آیه نازل شد، پیامبر (ص) فرمود: «یهود، عهد خدا را نقض و رسولان او را تکذیب کردند و اولیای الهی را کشتند. آیا به شما خبر بدهم به مشابه آنان از یهود این امت؟» گفتند: بلی یا رسول الله! حضرت رسول (ص) فرمود: «قومی از امت من، که خود را از اهل ملت من می‌دانند، افاضل ذریه مرا می‌کشند، شریعت و سنت مرا عوض می‌کنند، فرزندانم حسن و حسین را می‌کشند، همان گونه که یهود، زکریا و یحیی را کشتند».

روایات بسیاری نیز داریم که دلالت بر جواز گریه و عزاداری می‌کنند. امام صادق (ع) می‌فرماید:

بالتوان در مصیبت‌ها، نیاز به نوحه‌سرایی و شیون و زاری دارند و باید اشک‌هایشان جاری شود؛ اما نباید سخنان باطل و بیهوده بگویند... آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید:

گریه کنندگان پنج نفر بودند: آدم و یعقوب و یوسف و فاطمه، بنت

محمد و علی بن الحسین. گریه آدم به علت خطا و اخراج از بهشت، یعقوب در فراق یوسف و یوسف در دوری پدر و حضرت زهرا (س) برای پدرش و امام سجاد (ع) نیز برای شهادت پدرش گریه می‌کردند؛

امام صادق (ع) به فرزندش سفارش می‌کند که برایش مجالس عزاداری برگزار کند؛ ۱۲ روایتی از این نوع، بسیاری و مهم‌ترین اهدافشان، مبارزه با ستم بنی امیه و بنی عباس بوده است؛

البته بعضی از روایات اهل سنت، با عزاداری مخالفت کرده‌اند؛ اما از روایات خود اهل سنت نیز پاسخ آنها داده شده است. پاسخ این است که این روایات، قابل جمع هستند و وجه جمع آنها این است که روایات مخالفه برای نفی بعضی از کارهای نادرست، که در عزاداری‌ها انجام داده می‌شود، آمده‌است؛ مانند داد و فریاد کردن، گریبان دریدن و سخن باطل گفتن؛ اما آنها که موافق هستند، نظر به اصل عزاداری دارند؛

در سیره معصومین (ع) و سیره مسلمانان نیز عزاداری، دارای سابقه بوده است. مسلمانان در جنگ احد، هفتاد شهید دادند. در مدینه، هر کس برای یستگان شهید خود گریه می‌کرد، چشمان پیامبر (ص) با دیدن این صحنه، پر از اشک شد و فرمود: «عمویم، حمزه گریه‌کننده ندارد»؛ ۱۵ ابن مسعود می‌گوید: پیامبر (ص) در سوگ حمزه بسیار گریه کرد. جنازه حمزه را روبه قبله نهاد و ایستاد و با صدای بلند گریه کرد و صفات خوب حمزه را برشمرد؛ ۱۶ اسما، همسر جعفر بن ابی طالب، که از زنان بالیمان و فداکار صدر اسلام بود، می‌گوید: جعفر در جنگ مویه به شهادت رسید بر رسول خدا (ص) وارد شدم، ایشان فرمود: «ای اسما! فرزندان جعفر کجایند؟» آنان را پیش آن حضرت آوردم. آنان را در آغوش کشید و گریه کرد و گفت: «جعفر امروز به شهادت رسید»؛

پیامبر بارها و بارها در سوگ یارانش، از جمله، در عیادت آخر و بیماری احتضار سعدین عباد، رئیس قبیله خزرج، در کنار مزار دختر خود، در مدینه، در سوگ فرزندش، ابراهیم (با بیان این که قلب از شدت اندوه می‌سوزد؛ اما سخنی برخلاف رضای حق نمی‌گویم)، در سوگ عثمان بن مظعون، در مدینه، در کنار مزار مادرشان، در ابواء (پس از گذشت سالیان دراز و مبعوث شدن آن حضرت به نبوت)، به هنگام یادآوری شهادت امام علی (ع) و امام حسین (ع)، حتی در هنگام ولادت امام حسین (ع) و در مکان‌های مختلف، مانند منزل‌های ام‌المؤمنین ام‌سلمه، ام‌المؤمنین زینب، ام‌المؤمنین عایشه و در خانه امام علی (ع)، گریه کردند. پس از پیامبر نیز، صحابه عزاداری می‌کردند. غیر از گریه مستمر حضرت زهرا (س) کسان دیگری، مانند بلال، قیس، ام‌ایمن، خلیفه اول و دوم نیز در سوگ پیامبر گریه کردند. ۱۸ زنان بنی هاشم در شهادت امام حسن و امام حسین، عزاداری و گریه کردند. ام‌سلمه، در رؤیای از شهادت امام حسین باخبر شد و پس از بیداری، به عزاداری پرداخت. زنان هاشمی را نیز به عزاداری برای امام حسین دعوت کرد جابر بن عبدالله انصاری، پس از غسل در فرات و پوشیدن لباس تمیز، پاره‌پاره و آلوده‌گین، به سوی مزار امام حسین رفت و گریه فراوان کرد. انس بن مالک و زید بن ارقم، از یاران پیامبر، در سوگ امام حسین گریه کردند. مختار ثقفی در عزای امام حسین (ع) گریه کرد و قسم خورد که انتقام بگیرد. توبلین با شعار «یا لثارات الحسین»، به رهبری سلیمان بن سرد خزاعی، برای انتقام جمع شدند و بر مزار امام حسین رفته، گریه و ناله کردند. مردم کوفه و شام و مدینه، پس از شهادت امام حسین عزاداری کردند. شعرا و سرایندگان عرب، اشعار فراوانی را در سوگ آن حضرت (ع) سرودند.

گفتنی است که بعضی از مواردی که از سیره معصومین و مسلمانان ذکر شد، ناظر به مراسم عزاداری نبوده است، بلکه سوگ و داغ‌دیدگی واقعی بوده است؛ اما موارد متعددی هم بوده است که سوگ واقعی نبوده است، بلکه مراسم عزاداری بوده، با هدف تبلیغی و سیاسی انجام می‌شده است. همه ائمه پس از امام حسین (ع)، برای آن حضرت عزاداری کرده‌اند و مصیبت آن حضرت را تازه نگه داشته‌اند، به ویژه امام صادق (ع) مجلس برپایی کرد و افراد جمع می‌شدند و ذکر مصیبت می‌شد و گریه می‌کردند. ۱۹ پس از زمان ائمه (ع) نیز شیعیان عزاداری امام حسین را برپا می‌کردند.

اما تا پیش از قرن چهارم، به صورت پنهان بود، همان گونه که جشن و سرور، در روز عید غدیر (هجدهم ذیحجه) نیز پنهان بود و از آن پس آشکار شد. معزالدوله دیلمی، از سلاطین بزرگ و مقتدر آل بویه بود که در آشکار ساختن شعائر شیعه، نقش اساسی داشت و مردم بغداد را به عزاداری برای امام حسین (ع) تشویق می‌کرد. در سال‌های بین ۳۵۲ تا اواسط قرن پنجم، مراسم عاشورا مهم تلقی و اجرا می‌شد. در همین سال‌ها، فاطمیه و اسماعیلیه، مصر را به تصرف درآوردند و شهر قاهره را بنا نهادند و مراسم عاشورا در مصر نیز برقرار می‌شد. مراسم عزاداری، به دیگر کشورهای اسلامی، شمال آفریقا، ایران و برخی کشورهای عربی رسوخ کرد. در ایران، از قرن اول و دوم، تعزیه رایج بود؛ ولی بعدها گسترش بیش‌تر یافت.

اکنون نیز نه‌تنها شیعیان، بلکه حتی بسیاری از غیرشیعیان و غیرمسلمانان، امام حسین و مراسم عزاداری حسینی را به خوبی می‌شناسند و برای آن احترام قائلند. امروزه به برکت جمهوری اسلامی ایران، مراسم عزاداری، به همان شیوه‌های مرسوم در ایران (سخنرانی، روضه‌خوانی، مداحی، سینه‌زنی، تشکیل دادن دسته‌های عزاداری و...) به زبان‌های مختلف دیگری، مانند انگلیسی، آلمانی، چینی و ژاپنی نیز رواج یافته است.

ملتهای دیگر، حضور و اثرگذاری این مراسم در پدیده‌های اجتماعی و سیاسی شیعیان را دیده‌اند. هر کس اندک تأملی کرده باشد، نقش امام حسین و عزاداری حسینی را در دفاع مقدس، به خوبی می‌شناسد. امام حسین (ع) در احصار شیعیان نیست. گندی، رهبر فقید هند، نهضت‌های یوسنی و هرزگوین، لبنان، فلسطین و... از امام حسین (ع) بهره گرفته‌اند.

کسانی می‌توانند به خوبی مراسم عزاداری را درک کنند که لولا، شناخت‌های لازم را درباره آن داشته باشند و ثقیلاً در آن شرکت، آثار عاطفی آن را تجربه درونی کرده باشند. برای شناخت این پدیده، علم حصولی و تحلیل عقلی، لازم اما ناکافی است.

اگر مراسم عزاداری، این اندازه اهمیت دارد، باید همانند یک گوهر گران‌بها از آن محافظت شود. فریادهای بعضی از علمای دینی، مانند شهید مطهری، که در سه جلد کتاب حماسه حسینی و تحریف‌های عاشورا گردآمده است، ناظر به همین امر است. برای آسیب‌شناسی این مراسم، لازم است مطالعاتی مستقل و مفصل، با شیوه‌های مختلف پژوهشی، انجام شود؛ اما در این مختصر، فقط با یک نگاه نظری به این مراسم، بعضی از نکات آسیب‌شناسی را بیان می‌کنیم و از خدوند

بازار شیخ پتروش در خلعت عالم

معرفی کتاب

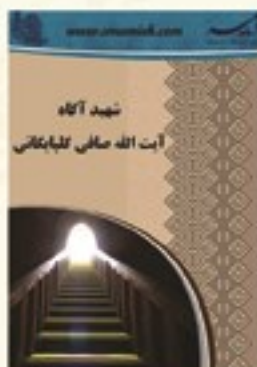
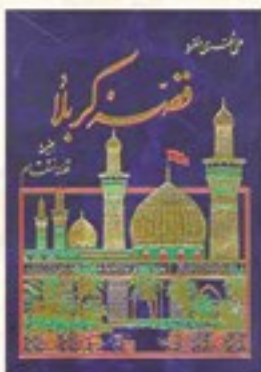
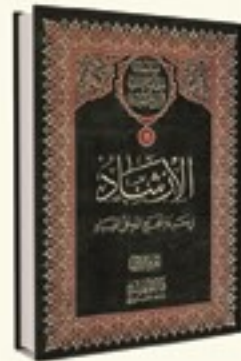
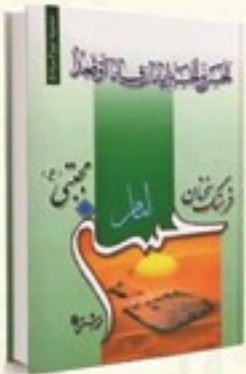
انسیه دهقان



اما کتاب دیگری که قابل توجه است کتاب شریف «منتهی الآمال» است که توسط مرحوم شیخ عباس قمی نگاشته شده است، و در این کتاب نیز پیرامون امام حسین (ع) از ولادت تا شهادت مباحث جامع و دقیقی مطرح شده است و علاوه بر آن، این نویسنده کتاب «نفس المهموم» را نیز در خصوص واقعه کربلا نوشته است. کتاب «قصه کربلا» نوشته آقای نظری منفرد کتابی است محققانه که قابل استفاده می‌باشد.

و در زمینه تحلیل وقایع زندگی امام حسین (ع) نیز کتاب‌های «پرتوی از عظمت حسین (ع)» و «شهید آگاه» نوشته آیت الله العظمی صافی گلپایگانی بسیار مفید و سودمند خواهد بود و اخیراً فرهنگ جامعی از کلمات و سخنان آن حضرت به چاپ رسیده است به نام «فرهنگ سخنان امام حسین (ع)» نوشته محمد دشتی.

امام حسین (ع) از آن جهت که ابعاد زندگانی او در طول تاریخ مورد توجه تاریخ‌نویسان قرار گرفته است، در مورد زندگانی آن حضرت و واقعه عاشورا کتاب‌های بسیاری نوشته شده است و حتی نویسندگان سنی مذهب نیز در این زمینه کتاب‌هایی را به رشته تحریر در آورده‌اند. اما در میان کتب شیعه که به طور اجمالی و صحیح زندگی آن حضرت را برای نسل‌های بعدی به یادگار گذارده است می‌توان به کتاب گرانمایه و ارزشمند «الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد» نوشته مرحوم شیخ مفید اشاره نمود. از ویژگی‌های مهم و بارز این اثر آن است که در اواخر قرن چهارم هجری یا اوایل قرن پنجم هجری نوشته شده است و همان گونه که مؤلف آن در ابتدا می‌گوید، «آنچه در این کتاب آمده است درباره امامان معصوم (ع) است و درباره مدت عمر و زندگی و مکان شهادت ایشان و شمعی از جریان زندگی آن‌ها می‌باشد تا مطالب شبهه‌ناک از مسائل حقه جدا گردد». این کتاب یکی از جامع‌ترین کتاب‌هایی است که در این زمینه نوشته شده است چرا که نویسنده آن از کسانی است که امام زمان (ع) او را توثیق فرموده‌اند.



علامه طباطبائی



«علامه سید محمد حسین طباطبائی» در سال ۱۲۸۱ شمسی برابر با ۱۳۲۱ قمری در تبریز متولد شد. او در ۵ سالگی مادر و در ۹ سالگی پدرش را از دست داد. در همان زمان، علاوه بر فراگیری قرآن مجید و کتاب های متداول روز و خوش نویسی، به تحصیل مقدمات عربی روی آورد و در ۲۳ سالگی عازم نجف اشرف شد. علامه (ره) طی یازده سال اقامت در نجف از محضر عالمان نام داری هم چون میرزای نایینی (ره)، «محمد حسین غروی اصفهانی (ره)»، «میرزا علی آقا قاضی طباطبائی (ره)» و «سید ابوالحسن اصفهانی (ره)»، استفاده های فرلوان برد و مدارج علمی و کمالات اخلاقی را پیمود. وی پس از آن به مدت ده سال در تبریز اقامت گزید و سپس در سال ۱۳۲۵ شمسی راهی شهر قم شد. علامه از آن پس با درک نیاز حوزه به تفسیر و فلسفه، به تدریس این دو پرداخت و در این دو رشته مقام شامخی به دست آورد. علامه طباطبائی (ره) هم زمان با تدریس، از تألیف آثار گران بها و سودمند غفلت نورزید و کتب متعددی را به رشته تحریر درآورد که «اصول فلسفه و روش رئالیسم» در ۵ جلد، «هدایه الحکمه»، «تهایه الحکمه»، «وحی یا شعور مرموز»، «علی (ع) و فلسفه الهی» و «حاشیه بر اسفار صدر الدین شیرازی» و... از آن جمله اند.

مهمترین اثر علامه (ره)، «تفسیر المیزان» نام دارد. این کتاب شریف که اصل آن به زبان عربی و در بیست جلد تألیف گردیده بارها از سوی ناشران داخلی و خارجی به زبان های عربی و فارسی چاپ و منتشر شده است. استاد مرتضی مطهری (ره) در مورد این تفسیر می گوید: «کتاب تفسیر المیزان، یکی از بهترین تفاسیری است که برای قرآن مجید نوشته شده است و می توان ادعا کرد بهترین تفسیری است که در میان شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است». علامه سید محمد حسین طباطبائی (ره) سرانجام در صبح یکشنبه ۲۴ آبان ۱۳۶۰ شمسی برابر با هجدهم محرم ۱۴۰۲ قمری پس از یک هفته بیماری، دار فانی را در هشتاد سالگی وداع نموده و به دیار باقی شتافت. مزارش در کنار حرم حضرت معصومه (س) زیارتگاه عاشقان و شیفتگان می باشد.

هدف از نویسندگی

لذا نویسنده باید هدفی داشته باشد و انگیزه و دردی برای نوشتن داشته باشد. هدف چیرگی بر تیرگی ها و داشتن نادانسته هاست و انگیزه شوری و عشقی سرتی که زاییده روان آدمی است. نویسنده ای که شور و عشقی ندارد، درد رانمی شناسد و فکری تازه در سر نمی پروراند.^۲

در مجموع مهم ترین اهداف نویسندگی را می توان این گونه برشمرد:

۱. بیان مسائل و مشکلات موجود
۲. انتقال مهارت و دانش خود به دیگران
۳. به جا ماندن اثر و اندیشه
۴. نزدیک شدن اندیشه و عمل
۵. شورزیدگی در نگارش
۶. بررسی نمودن و شناساندن توانایی های خود به دیگران در محیط کار و جامعه
۷. صیقل خوردن و جلا یافتن دانسته های ذهنی و رفع نواقص آن
۸. رشد ایده های نو و ایجاد انگیزه پژوهش بیشتر در آن زمینه
۹. رشد و گسترش آگاهی های انسان.^۳

پی نوشت ها:

۱. سید محمد اسحاقی، فنون مقاله نویسی، ص ۲۱.
۲. www.hawzah.net
۳. سید محمد اسحاقی، فنون مقاله نویسی، ص ۲۲.

یکی از مشکلات اساسی برای کسانی که در آغاز راه نوشتن و آفرینش یک اثر علمی هستند، مسئله «چگونگی نوشتن است». این مشکل، در واقع دغدغه همه کسانی است که می خواهند دست به قلم ببرند.

و مطالبی را در قالب گزارش، مقاله، کتاب و ... بنویسند. بدیهی است که نوشتن، امری اکتسابی است و از راه فراگیری فنون اولیه، تمرین کافی حاصل می گردد. بنابراین برای کسب مهارت در نوشتن، داشتن پشتکار و تمرین زیاد ضروری است.

گاهی اوقات پیش می آید که یک اندیشه خوب و نو، از ذهن می گذرد اما نمی توان آن افکار را در قالب کلمات، روی کاغذ آورد. این مسئله برای همه ما کم و بیش اتفاق افتاده است. راه حل چنین مشکلی کنار گذاشتن ترس از نوشتن است.^۱

شاید بد نباشد در گام اول برای نویسندگی هدف از نویسندگی را مورد بررسی قرار دهیم.

نویسنده می نویسد تا نوشته خویش را به دیگران عرضه کند و متاع خود را به بهترین صورت در معرض دید مشتریان گذارد و اندیشه شخصی خود را به یک اندیشه اجتماعی و جهانگیر تبدیل نماید.

یکی از استادان زبان و ادب فارسی در این باره می گوید: نوشتن، امری اجتماعی است، زیرا هیچ کس برای خود نمی نویسد و اگر کسی چنین ادعا کند، از او نمی توان پذیرفت، زیرا که انسان بالطبع اجتماعی است و حتی آن گاه که فکر می کند یا با خود سخن می گوید، دیگری را مخاطب قرار می دهد و بی دیگری و دیگران زندگی انسانی برای او مفهومی ندارد.



اهمیت تبلیغ در روایات

پیامبر اکرم (ص): رحم الله خلفائی فقیل یا رسول الله و من خلفائک؟
قال: الذین یحبون سنتی و یعلمونها عباد الله. ۱

پیامبر (ص): رحمت خداوند بر جانشینان من، عرض شد جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان که سنت مرا زنده می دارند و به پندگان خداوند می آموزند.

پیامبر (ص): کسی که چیزهای خوب به دیگران تعلیم می دهد، تمامی چنینندگان زمین و ماهیان دریا و موجودات زنده در هوا و همه ساکنان زمین و آسمان برای او استغفار می کنند. ۲

ان معلم الخیر یستغفر له دراب الارض و حیتان البحر و کل ذی روح فی الهواء و جمیع اهل السماء و الارض.

پیامبر (ص): آیا به شما خبر ندهم از اقوامی که نه از پیامبران اند نه از شهدا، ولی مورد غبطه انبیا و شهدایند، به خاطر مقامی که در نزد خداوند کسب کرده اند چه جایگاه نورانی دارند.

سؤال شد ای رسول خدا آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که پندگان را محبوب خداوند و محبوب من می سازند. آنان را به کارهایی که محبوب خداوند است امر می کنند و از کارهایی که مبغوض خداوند است نهی می کند و زمانی که مردم از آنان اطاعت نمایند محبوب خداوند خواهند بود. ۳

نقش اهل بیت سیدالشهدا (ع) در

تبلیغ نهضت حسینی

چرا ابا عبدالله (ع) اهل بیتش را همراه خود برد؟

در راه ابا عبدالله به کربلا عده ای این حرف را از روی مصلحت به آقا می زدند که رفتن شما خطرناک است و مصلحت نیست که به این سفر بروید، چه برسد به اینکه اهل بیتتان را هم با خودتان ببرید. آقا فرمودند: جدم به من گفته است رضای خدا در شهادت توست.

جدم به من گفته است که خدا خواسته است این ها (اهل بیت) اسیر باشند.

یعنی اسارت اهل بیت رضای حق است، مصلحت است، رضای حق همیشه در مصلحت است و مصلحت یعنی آن جهت کمال فرد و بشریت.

ابا عبدالله (ع) نه به اعتبار اینکه خودم می روم، پس زن و بچه ام را هم ببرم، بلکه آن ها را به این جهت برد که رسالتی را در این سفر انجام بدهند.

در واقع کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود

پس اهل بیت (ع) در این حادثه، رسالت تبلیغ را بر عهده داشتند و مجلس عزای حسین (ع) را برای اولین بار زینب ساخت در عین حالی که از وظایف خودش غافل نیست. ۴

این خطبه های حضرت زینب (س)، امام سجاد (ع) و صحبت های دختران امام حسین (ع) در حین برگشت از کربلا باعث هدایت دیگران شد. وقتی زینب (س) با کمال عفت و حیا در حین بازگشت اسرا از کربلا به شام خطبه می خواند، دشمن را رسوا می کند و حقیقت را بازگو می کند.

مردم همه انگشت را به دهان گرفته و می گزیدند.

عناصر تبلیغ (ویژه مبلغین)

سوز، سواد، سلیقه، اگر یک مبلغ به خاطر خدا دغدغه هدایتگری مردم (سوز هدایت) را داشته باشد، سواد کافی هم برای تبلیغ داشته باشد و خوش سلیقه باشد یعنی بداند چه مطلبی را برای چه کسانی مطرح کند و چگونه بر مخاطبانش تأثیر بگذارد. توانسته یک رسالت تبلیغ را به اتمام رساند.

سؤال: چرا با بودن این همه و روحانی در جامعه بعضی از مردم حتی بعضی از آن هایی که در جلسات اهل بیت (ع) شرکت می کنند، هنوز گمراهند؟

اکثر مردم جامعه این جواب را می دهند که اگر علما و روحانیون عامل به حرف خویش بودند دیگران را هم تحت تأثیر قرار می دادند. (پس مبلغین اهل عمل نیستند)

این حرف کاملاً راساست که مبلغ خود باید اهل عمل باشد تا به قول شاعر

آنچه را از دل بر آید لاجرم بر دل نشیند

لیکن باید نکته مهم دیگری، غیر از عامل بودن مبلغ در نظر گرفت و آن هم ضمیر و دل مخاطب است.

ضمیر مخاطب هم تأثیر بسیار زیادی در هدایت دارد.

یک سؤال: مگر بهترین و عامل ترین افراد به دین وجود مقدس پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) نبودند، پس چرا در عصر هر کدام از این بزرگان دین، تعداد زیادی با دین مخالفت می کردند (و تعدادی هم با اهل بیت (ع) بودن یا با دشمن بودن برایشان هیچ فرقی نمی کرد).



و همچنین، در آیه ۵۶ سوره قصص خداوند می فرماید: «هدایت به دست خداست».

«إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»

«تو نمی توانی هر کسی را که دوست داری هدایت کنی، ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند و او به هدایت یافتگان آگاه تر است».

منظور از هدایت در این جا «ارائه طریق، یعنی نشان دادن راه» نیست چرا که ارائه طریق کار پیامبر (ص) است و او بدون استثنا راه را به همه نشان می دهد منظور از هدایت در این آیه «ایصال به مطلوب» یعنی «رساندن به سر منزل مقصود» است.

این تنها کار خداست که بفر ایمان را در دل ها بپاشند و کار او هم بی حساب نیست. او به دل های آماده نظر می افکند و این نور الهی را بر آن ها می پاشد.

پس خواست خدا بر طبق حکمت، برنامه و بر اساس لیاقت ها و تلاش ها و کوشش های افراد است. تنها بر این اساس است که خدا توفیق هدایت را نصیب گروهی می کند یا از گروهی سلب می کند. ۷

پی نوشت ها

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۵
۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۷
۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷
۴. حماسه حسینی، ص ۴۰۸
۵. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۲۱۶
۶. تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۱۷۶
۷. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۱۵

مگر نمونه بارزش امام حسین (ع) در کربلا قبل از شهادتش لشکر دشمن را که خود را مسلمان می دانستند بارها به دین، توبه و سعادت ابدی دعوت نکردند، پس چرا حرف مولایمان ابا عبدالله با وجود اینکه عناصر سوز، سواد سلیقه و عامل بودن به دین را داشتند، در دل عده ای تأثیر گذار نبود؟

پس به این نتیجه می رسیم که علاوه بر مبلغ، مخاطب هم باید زمینه هایی برای هدایت داشته باشد.

خداوند در آیه ۵۸ سوره اعراف می فرماید:

«وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبَتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ».

سرزمین های پاکیزه و شیرین، گیاهش به فرمان پروردگار می روید، اما سرزمین های بد طینت و شوره زار جز گیاه ناچیز و بی ارزش از آن نمی روید.

تفسیر آیه (از دانه های باران، حیات بخش تر و لطیف تر، تصور نمی شود، اما همین بارانی که در لطافت طبعش، خلاف نیست در یک جاسپزه و گل می روپاند و در جای دیگر خس و خاشاک، پیامبر اکرم (ص) مثل هدایت و علمی که خداوند مرابدان مبعوث کرد، مثل باران شدیدی است که در سرزمینی ببارد و قسمتی از آن زمین آب را در خود فرو برد و در نتیجه گیاهان بسیار بروپاند و قسمتی دیگر که بایر است، آب را در خود نگه دارد و مردم از آن بنوشند و سیراب شوند و با آن زراعت خود را نیز آبیاری کنند. قسمتی از باران هم به سرزمینی ببارد که دارای بلندی ها و کوه های سنگی است که نه آب را در خود نگه داری و ذخیره می کند و نه گیاهی در خود می روپاند.

مردم نیز نسبت به دین من ۳ طایفه اند: بعضی آن را یاد می گیرند و گلیم خود را از آب در می آورند، ولی از دیگران دستگیری نمی کنند و چیزی از آن را به دیگران نمی آموزند.

بعضی دیگر، هم خود از آن بهره مند می شوند و هم به دیگران می آموزند.

گروه سوم: کسانی هستند که نه خود آن را می آموزند و نه به دیگران یاد می دهند. ۶



جهاد کبیر

الان ۳۷ سال، ۳۸ سال است که دارند از همه امکانات استفاده می کنند برای اینکه این رویش مبارک راه این جمهوری اسلامی راه این انقلاب مجسم را شکست بدهند و نتوانستند؛ الله مولا. ملت ایران در صحنه است؛ به یک عده آدم های کنارنشسته نقرن غوزن یا پیرو شهوات نگاه نکنید؛ ملت در صحنه است، ملت در میدان است. در میان این ملت، زمره عظیمی حضور دارند که حاضرند جانشان را فدا کنند؛ این همان چیزی است که قدرت خدا را می آورد پشت سر انسان؛ این یعنی جنگ نامتقارن.

جنگ نامتقارن

معنای جنگ نامتقارن این است که دو طرف جنگ از منابع مختلف الحالی، با هویت های مختلف برخوردارند؛ این جنگ نامتقارن است؛ یعنی هر کدام از این دو طرف امکاناتی دارند، منابع قدرتی دارند که طرف دیگر آن را ندارد. ما با استکبار جهانی در حال جنگ نامتقارنیم؛ چرا؟ ممکن است او یک امکاناتی داشته باشد که ما نداشته باشیم اما ما هم امکاناتی داریم که او ندارد؛ آن امکان چیست؟ توکل، اعتماد به خدا، اعتماد به پیروزی نهایی، اعتماد به قدرت انسان، به قدرت اراده ای انسان مؤمن؛ این را ما داریم؛ این شد جنگ نامتقارن. در جنگ نامتقارن اراده ها هستند که با هم می جنگند؛ هر اراده ای غلبه پیدا کرد، پیروز خواهد شد. در میدان، اراده را ضعیف نکنید؛ در میدان نبرد، اراده را دچار تزلزل نکنید؛ اگر یک طرف جنگ در میدان نبرد اراده اش سست شد، قطعاً شکست خواهد خورد. نگذارید اراده تان سست بشود، نگذارید تبلیغات دشمن و وسوسه های دشمن، در اراده و عزم راسخ شما تزلزل ایجاد کند؛ این اراده مستحکم را نگه دارید؛ این

ضامن پیروزی است.

جهاد کبیر

امروز جنگ نظامی مطرح نیست؛ امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار بسیار ضعیفی است لکن جهاد باقی است؛ جهاد یک چیز دیگر است. جهاد فقط به معنای قتل نیست، فقط به معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد یک معنای بسیار وسیع تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا! در سوره مبارکه فرقان است: «به» یعنی به قرآن، «جاهدْهُمْ به» یعنی به وسیله قرآن با آن ها جهاد کن؛ جهاداً کبیراً! این آیه در مکه نازل شده. درست توجه کنند جوان های عزیز! در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمان ها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آنها می کردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه شریفه می گوید: وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا! آن کار دیگر چیست؟

آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت است. فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا! از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. این تقسیم بندی غیر از تقسیم بندی جهاد اکبر و جهاد اصغر است:

جهاد اکبر که از همه سخت تر است، جهاد با نفس است، همان چیزی است که هویت ما راه باطن ما را حفظ می کند؛ جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است، منتها در بین جهاد اصغر یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده که آن همین است. «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت، تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان های مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر، در میدان های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد «جهاد کبیر».

این تبعیت نکردن آن قدر مهم است که خدای متعال پیغمبر خود را مکرر به آن توصیه می کند.

آیه ای تکان دهنده اول سوره مبارکه احزاب: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ؛ می فرماید «اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ»؛ پیغمبر! تقوا داشته باش و از کافران تبعیت نکن؛ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا! ما می دانیم مشکلات تو راه ما می دانیم فشارهایی که بر تو وارد می کنند تا تو را وادار به تبعیت کنند - تهدید می کنند، تطمیع می کنند، اما شما مراقب امر و نهی الهی باش. اتَّقِ اللَّهَ، حواست جمع باشد. وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ؛ این اطاعت نکردن از کافران، آن چیز بزرگ و مهمی است که خدای متعال با این لحن با پیغمبرش حرف می زند.

لَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ

خب، اطاعت از کافرین نکن، پس چه کار کن؟ و أَتَبِعْ مَا يُوْحٰى إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۴ می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّبِعِ اللَّهَ وَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۵» و أَتَبِعْ مَا يُوْحٰى إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۵ از آن ها تبعیت نکن؛ تو برنامه داری؛ تو برنامه کار داری، برنامه زندگی داری؛ وحی الهی تو را تنها نگذاشته است؛ قرآن در اختیار تو است، اسلام در اختیار تو است، برنامه اسلام در اختیار تو است؛ این راه را برو. ببینید این ها همه آیات اول سوره احزاب است؛ پشت سر هم؛ اول: «اتَّبِعِ اللَّهَ وَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ ۶» بعد، و أَتَبِعْ مَا يُوْحٰى إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۷

پشت سر آن، جواب این سؤال است که خب، خطر وجود دارد فشار می آورند: «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ مَعِي ۸» در مقابل همه این فشارها به خدا تکیه کن؛ به خدا تکیه کن. توکل معنایش این نیست که کار را رها کنی بنشینید تا خدا بیاورد عوض شما کار را انجام بدهد؛ این نیست؛ توکل این است که شما راه بیفتید، عرق بریزید، تلاش کنید، آن وقت یقین داشته باشید که خدای متعال شما را کمک خواهد کرد؛ امروز مسئله جمهوری اسلامی این است. مسئله جمهوری اسلامی این است که دشمن مستکبر، در صدد به زانو در آوردن انقلاب است؛ با چه چیزی؟ با نفوذ دادن فرهنگ خود، با فشار اقتصادی خود، با انواع و اقسام تلاشهای سیاسی خود، با گستره ی عظیم تبلیغات خود، و با عوامل خائنی که در اختیارش هستند، در صدد تکان دادن فضای جمهوری اسلامی است تا آن را به تبعیت بکشانند آنچه استکبار را از جمهوری اسلامی بشدت غضبناک می کند، مسلمان بودن مردم ایران نیست؛ آن، عبارت است از این که مردم به خاطر این مسلمان بودن، حاضر نیستند زیر بار استکبار بروند؛ حاضر نیستند تبعیت کنند؛ این است که دشمن را غضبناک می کند. سعی می کنند این را زیر پوشش هایی بپوشانند اما واقعیت قضیه این است. مسئله هسته ای بهانه بود حتی مسئله موشک ها، این قضیه موشک ها که راه انداخته اند، «موشک، موشک» که البته هیچ فایده ای هم ندارد و هیچ غلطی هم نمی تواند بکنند بهانه است؛ مسئله حقوق بشر، مسائل گوناگون دیگر، همه بهانه است. مسئله، عدم تبعیت است.

اگر جمهوری اسلامی حاضر بود تبعیت استکبار را قبول بکند، با موشکش هم می ساختند، با انرژی هسته ای و انواع و اقسام چیزهایی که در این زمینه وجود دارد، می ساختند و اسم حقوق بشر را هم اصلاً نمی آوردند. جمهوری اسلامی، با تعلیم الهی، حاضر نیست از دشمن مستکبر کافر تبعیت بکند، از جبهه کفر و استکبار تبعیت بکند، این است علت اصلی، همه تلاشان برای این است البته سعی می کنند این را به زبان نیاورند اما گاهی اظهاراتشان آن ها را لو می دهد. خرمشهرها در پیش است؛ نه در میدان جنگ نظامی، بلکه در یک میدانی که از جنگ نظامی سخت تر است.

البته ویرانی های جنگ نظامی را ندارد؛ بعکس، آبادانی به دنبال دارد، اما سختی اش بیشتر است. این که ما گفتیم اقتصاد مقاومتی، یعنی بخش اقتصادی این سیاست بزرگ و اساسی، مقاومت اقتصادی است. اینکه گفتیم جوان های مؤمن و حزب اللهی و انقلابی کارهای فرهنگی خودجوش را رها نکنند و دنبال بکنند، و همه دستگاه های فرهنگی کشور را دعوت کردیم و می کنیم که در این جهت حرکت کنند، این، بخش فرهنگی این عدم تبعیت است، این جهاد بزرگ است، جهاد کبیر است.

اینکه از همه استعداد های موجود کشور دعوت می کنیم که استعداد های خودشان را در خدمت پیشرفت این کشور به کار بیندازند و به صحنه بیاورند و به میدان بیاورند و از مسئولان دولتی و سایر مسئولان دعوت می کنیم که از این استعداد ها استقبال بکنند، این آن بخش فعال اجتماعی این جهاد کبیر است. این جهاد کبیر ابعاد ی دارد؛ جاهد هم به جهاد کبیر ۹.

این به معنای قطع رابطه با دنیا نیست؛ بعضی ها برای اینکه این سیاست الهی را بگویند، بدروغ می گویند «انقلابیون می گویند با دنیا قطع رابطه کنید»؛ نه، ما قائل به قطع رابطه با دنیا نیستیم، قائل به حصار کشیدن دور کشور هم نیستیم؛ رفت و آمد بکنند، رابطه داشته باشند، مبادله بکنند، داد و ستد بکنند، اما هویت و شخصیت اصلی خودشان را از یاد نبرند؛ این حرف ما است: «وَأَقِمُّوا الصَّلَاةَ إِنَّكُمْ مُؤْمِنِينَ ۱۰»

مثل نماینده نظام اسلامی حرکت بکنند، مثل نماینده نظام اسلامی سخن بگویند. با همه، یا هر جا که مصلحت کشور اقتضا می کند، قرارداد ببندید، اما مثل نماینده ایران اسلامی و نماینده اسلام پشت میز قرارداد بنشینید. همه هوشمندانه حرکت کنند؛ این جهاد، هوشمندی



اقتدار و جہاد کبیر

تنہا راہ پیشرفت و مقابلہ با نفوذ است

شعارها این است، نقشش این است. در مورد این شعارها و حقایق هم فقط به احساسات اکتفا نشود. من البته برای احساسات نقش زیادی قائلم، برای عواطف نقش زیادی قائلم، اما کافی نیست؛ لازم است اما کافی نیست. عمق، تعمق و ژرفنگری در همه این شعارها باید وجود داشته باشد. سعی کنید در مسائل تعمق کنید؛ وقتی عمق یابی کردید، این ایمان مستقر با هیچ نیرویی از شما جدا نخواهد شد.

مشکل این هایی که می بینید یک روز تندتر از همه تندهایند و یک روز ۱۸۰ درجه به این طرف می غلتند، عمق نداشتن آن ایمان است.

داشتیم ما؛ لویال انقلاب بعضی ها بودند که آن چنان تند و آتشی بودند که انقلابی های اصلی و قدیمی و سابقه دار را هم قبول نداشتند و به آنها هم ایراد می گرفتند اما سطحی بودند؛ این سطحی بودن بلای جانشان شد، از این طرف ۱۸۰ درجه غلتیدند. عمق و ژرفا داشته باشید؛ بروید در اعماق فکر و اندیشه و از راهنمایی استاد های صالح در این راه استفاده کنید.

کادر سازی یکی دیگر از کارها است

این یک کار علمی است، یک پژوهش علمی تاریخی است. امروز ما احتیاج داریم به اینکه یک نگاهی به گذشته داشته باشیم؛ راه هایی که آمدیم، کارهایی که کردیم، کارهایی که کردند، تجربه هایی که از سر گذراندیم، این نشیب و فرازهای عجیب و غریبی که در سر راه بوده است و انقلاب توانسته خود را از این پیچ و واپیچ راه های گوناگون پیش ببرد به سمت اهداف و متوقف نشود، این احتیاج به تدوین دارد؛ این احتیاج به کار علمی دارد. این خطاب من به همه دانشگاه ها و به همه مراکز علمی و به حوزه های علمیه است.

یک نکته هم این است که تبیین را اساس کار بنمایید. بنده می بینم گاهی اوقات یک جماعتی، یک افرادی، جوان های احتمالا صالح و مؤمنی با یک کسی مخالفتند یا با یک جلسهای مخالفتند، بنا می کنند هیاهو کردن و جنجال کردن و شعار دادن؛ بنده با این کارها موافق نیستم.

لازم دارد، این جہاد، اخلاص لازم دارد. این جہاد مثل جہاد نظامی نیست که کسانی در آنجا بدرخشند و چه شهیدشان، چه زنده شان و چه جانبازشان مثل قهرمان نشان داده بشوند که ماها افتخار می کنیم به این شهدا و این جانبازان و ایثارگران. این جہاد، جہادی است که ممکن است کسی خیلی هم زحمت بکشد اما چهره او را هیچ کس نشناسد؛ اخلاص لازم دارد این جہاد امروز، دشمن از این که بتواند به نظام اسلامی ضربه اساسی وارد کند ناامید است، چون می داند در داخل به قدر کافی انگیزه و ایمان و صدق و آمادگی وجود دارد؛ لذا ناامیدند از اینکه بتوانند ضربه اساسی وارد کنند، اما ناامید نیستند از این که بتوانند نفوذ کنند. ابزارهای نفوذ هم امروز زیاد است.

سعی دارند جوان ایرانی را به شکلی بار بیاورند که خودشان می پسندند. اگر جوان ایرانی به شکل آمریکاپسند و استکبارپسند رشد کرد، آمریکا دیگر برای پیاده کردن نقشه های خود در ایران خرجی و هزینه ای نخواهد داشت؛ این جوان خودش مثل نوکر بی جبره و موجب برای آن ها کار خواهد کرد؛ می خواهند جوان ایرانی را این جواری بار بیاورند. چهار تا آدم بی هویت جواری حرف زدند و جواری عمل کردند که یک آمریکایی چند سال قبل آمد ایران و وقتی برگشت، گفت: کسانی در ایران هستند که اسلحه دستشان است و منتظر دستور ما هستند که شلیک کنند؛ چهار تا آدم بی هویت را دیده بود، فریب خورده بود. مشکل بزرگ آمریکایی ها این است که کشور ما را نمی شناسند، مردم ما را نمی شناسند، نمی توانند هم بشناسند. مشکل استکبار این است که بیشتر به ظاهر نگاه می کند؛ به رنگ و لعاب ظاهری نگاه می کند، اما باطن را نمی تواند ببیند. اقتدارش هم اقتدار ظاهری و اقتدار بر جسم ها است؛ بر دل ها نمی تواند آن چنان که مایل است اقتدار پیدا کند، اشتباه کردند. اما از نفوذ کردن ناامید نیستند؛ می خواهند نفوذ کنند، می خواهند دل ها را تسخیر کنند، می خواهند ذهن ها را تغییر بدهند. شعارهای انقلاب را باید حفظ کرد؛ این یکی از هدف ها است. یکی از کارهای بزرگ و یکی از بخش های بزرگ این جہاد عظیم، جہاد بزرگ عبارت است از حفظ شعارهای انقلاب. شعارها هدف ها را نشان می دهند، شعارها راه را به ما نشان می دهند، شعارها مثل علامت هایی هستند که در راه می گذارند برای اینکه انسان راه را اشتباه نکند؛ الیمین و الیسار مزلّة و الطریق الوسطی هی الجادّة؛ ۱۱

به چپ و راست غلتند، راه مستقیم و صراط مستقیم را بروند؛ هنر این



پی نوشت ها

۱. قرآن/ ۵۲
 ۲. همان
 ۳. احزاب/ ۱
 ۴. احزاب/ ۲
 ۵. همان
 ۶. احزاب/ ۱
 ۷. احزاب/ ۲
 ۸. احزاب/ ۳
 ۹. قرآن/ ۵۲
 ۱۰. آل عمران/ ۱۳۹
 ۱۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۶ (با اندکی تفاوت)
- بیانات مقام معظم رهبر انقلاب امام خامنه ای
در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

این هیچ فایده‌ای ندارد؛ این را من از قدیم به کسانی که در این کارها بودند، همواره سفارش کرده‌ام؛ اینکه بروند در یک مجلسی، چون فلان کس سخنرانی می‌کند که شما مثلاً او را قبول ندارید، ممکن هم هست حق با شما باشد یا نباشد. برویم این مجلس را خراب کنیم، به‌هم یزنیم؛ نه، این هیچ فایده‌ای ندارد. فایده در تبیین است، فایده در کار درست است، در کار هوشمندانه است؛ این‌ها است که فایده دارد. گاهی اوقات بعضی‌ها از روی اغراضی این کارها را می‌کنند، به پای بچه‌های مؤمن و حزب‌اللهی می‌اندازند؛ حواستان به این هم باشد.

آخرین مطلبی که عرض می‌کنم این است؛ همه آنچه گفتیم، همه آنچه باید بکنیم ۱۲، متوقف به این است که به خدای متعال تضرع کنیم، توجه کنیم، توسل‌تتمان را با خدا افزایش بدهیم، رابطه دلها با خدای متعال، آن رابطه‌ای است که اگر تأمین شد، پشتوانه هویت انقلابی و عزم و اراده ما است که خواهد توانست این زمینه‌ای را که بحث کردیم فراهم کند.

جوان‌های عزیز آستان را با قرآن حفظ کنید؛ بحمدالله بین جوان‌های ما حافظ قرآن زیاد است. به حفظ قرآن، تلاوت قرآن، تدبیر در قرآن، تأمل در آیات الهی اهمیت بدهید؛ به نماز توجه کنید، نماز خوب، نماز با توجه، نماز با احساس حضور در مقابل پروردگار. حضور قلب یعنی دل در هنگام نماز حاضر باشد، این‌جا باشد. گاهی ما داریم نماز می‌خوانیم دلمان جای دیگر است؛ حضور قلب یعنی دلمان همین‌جا باشد، در سجاده‌مان باشد، متوجه نمازمان باشد، جای دیگر نباشد. این را شما جوان‌ها تمرین کنید؛ ممکن است اول هم سخت باشد لکن تمرین کنید، آسان خواهد شد، عادت شما خواهد شد. اگر امروز تمرین کردید، همیشه به دردتان خواهد خورد؛ ان شاءالله خواهید توانست همه این کارهای بزرگ را انجام بدهید.

خرما

نرگس ناجوران

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ

یکی از میوه های مقوی که قرآن بیش از ۲۵ بار از آن در سوره های مختلف نام برده خرما است. میوه ای بسیار مقوی که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: خانه ای که در آن خرما نیست اهل آن گرسنه اند.

خرما بهترین غذا برای زن باردار

آیه ۲۵ سوره مریم: «وَهَؤُلَآءِ إِلَیْكَ یَجْذَعُ النَّحْلُ تَسْقِطُ عَلَیْكَ رَطْبًا حَنِیًّا» خداوند به حضرت مریم وحی فرمود: «این تنه نخل را به طرف خود تکان ده رطب تازه ای بر تو فرو می ریزد». پیامبر اکرم (ص): «باید اولین چیزی که زن پس از وضع حمل می خورد رطب باشد». (خداوند بزرگ پس از وضع حمل مریم) به او فرمود: این تنه درخت را تکان بده تا رطب تازه ای بر تو فرو ریزد. ۳

امام علی (ع): «کام کودکان خویش را با خرما بگشایید». چون پیامبر (ص) در مورد حسن (ع) و حسین (ع) نیز چنین کردند. ۴ آیه ۱۱ سوره نحل: «يَنْبَغِ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعُ وَالزَّيْتُونُ وَالنَّخِيلُ وَالْأَعْنَابُ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِیْ ذَٰلِكَ لَآیَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» با آن (آب باران) برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور و از همه میوه ها می رویند.

دانشمندان و متخصصان تغذیه می گویند کمتر میوه ای است که برای بدن انسان از نظر ارزش غذایی به اندازه خرما و زیتون و انگور مفید و مؤثر باشد.

موادی که در خرما وجود دارد و اثرات آن بر بدن

کلسیم که عامل اصلی استحکام استخوان هاست فسفر که از عناصر تشکیل دهنده مغز و مانع از ضعف اعصاب و خستگی است خرما دارای پتاسیم است که فقدان آن در بدن علت واقعی زخم معده بشمار می رود و وجود آن برای ماهیچه ها و بافت ها بسیار پر ارزش است.

قرآن در آیه ۲۴ سوره عبس می فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» انسان باید به غذای خود بنگرد. منظور از نگاه کردن در این آیه تماشای ظاهری نیست بلکه به معنای دقت و اندیشه در ساختمان این مواد غذایی و اجزای حیات بخش آن و تأثیرات شگرفی که در وجود انسان دارد، می باشد. سپس اندیشه در خلق آن هاست.

نزدیکترین اشیا خارجی به انسان، غذای اوست که با یک دگرگونی جزء بافت وجود او می شود.

و اگر به او نرسد به زودی راه مرگ را پیش می گیرد به همین دلیل، قرآن از میان تمام موجودات، روی مواد غذایی آن هم موادی که از طریق گیاهان و درختان عاید انسان می شود تکیه کرده است.

البته در بعضی روایات هم آمده که منظور از طعام در این آیه غذای روح انسان است.

و او باید بنگرد که آن را از چه کسی می گیرد البته معنای ظاهری آیه همان غذاهای جسمانی است ولی از آن رو که انسان ترکیبی از روح و جسم است. همان گونه که جسم او به غذای مادی نیاز دارد، روح او هم به غذای روحانی نیاز دارد. ۱

نوع غذا در سلامتی جسمانی و همچنین رفتارهای فرد تأثیر گذار است.

بعضی از اهلپا می گویند چه می خوری تا بگویم که هستی. علامه محمد تقی جعفری (ره): موقع خوردن غذا یا میوه فقط یک حس از ما در این خوراک دخیالت ندارد.

لذا قرآن می فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» پس بایستی به غذا نگاه کرد یا آن را لمس کرد و یا آن ها را بویید و همین طور آرام خورد.

بالاخره خوردن بنی آدم می بایست با دیگر جانداران فرق کند. ۲



خرما بر قوه بینایی می افزاید و از سرطان جلوگیری می کند. ۵
آیه الله بهجت (ره): خرما دارای مقدار زیادی منیزیم است. که
کمبود منیزیم در بدن زمینه را برای ابتلا به سرطان فراهم می
کند. وقتی مصرف شود احتیاج بدن را رفع می کند.
به همین جهت مناطقی که خرما خیز است چون مردم از خرما
بیشتری استفاده می کنند خیلی کم دچار سرطان می شوند. ۶

خرما

خرما همچنین دارای گوگرد، فسفر، کلسیم، آهن، ویتامین های
آب، و قند و سلولز است.

خرما التهابات روده و معده را درمان می کند و برای درمان سرفه
خشک و التهابات ریوی و تهییجات مجاری ادراری مفید است.

خرمای نرسیده در جریان خون و جلوگیری از اسهال و اصلاح لثه
های دندان خیلی مؤثر است.

خرمای رسیده تازه قوه بینایی را تقویت کرده و درمان درد مفاصل
و سیاتیک می باشد.

جوشانده رطب در شیر سینه را نرم می کند و از سرفه و احتقان
می کاهد.

در احوالات شیخ حسنعلی نخودکی آمده است که بیماران خود را
با انجیر و خرما درمان می کرد. ۷

پیامبر خدا (ص) خرما تناول می فرمود و پس از آن آب می نوشید
و آب و خرما، بیشترین خوراک آن حضرت بود.

شیر و خرما را با هم تناول می کردند و آن دو را غذای خوشمزه و
پاکیزه می نامیدند. ۸

خرما تنوع زیادی دارد، حتی گفته شده بیش از ۲۰۰ نوع خرما در
جهان وجود دارد که ۱۰۰ نوع آن در ایران پرورش می یابد.
که بعضی طبع گرم و بعضی طبع سرد دارند.

در سوره مبارکه یس، درخت خرما و انگور به صورت جمع استفاده
شده و منظور این است که خرما و انگور تنوع بسیاری دارد.
پیامبر (ص) بر شما باد خرمای برنی چون که خستگی را از بین
می برد.

در برابر سوز سرما گرمی می دهد و در برابر گرسنگی سیر می کند و
در آن ۷۲ باب شفاست. ۹

خرمای برنی: نوعی از خرمای مرغوب است که به شکل دایره و رنگ
سرخ مایل به زرد است.

پیامبر (ص): خرمای عَجوة از بهشت است و درمان زهر در آن است. ۱۰
خرمای عَجوة: نوعی خرما از مدینه است، بزرگ تر از خرمایی به نام
صیحاتی و رنگ آن سرخ تیره مایل به سیاه و از کاشته های
پیامبر (ص) است.

پیامبر اکرم (ص): بهترین سحری خرما و سَوِیق است. ۱۱
سَوِیق (گندم، جو، ذرت، کنجد، نخودچی)

در خصال شیخ صدوق: امیرالمؤمنین علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل
می کند که فرمودند: جبرئیل گزارش داد خرمای برنی بوی دهان را
خوشبو می کند و موجب پاک شدن معده، هضم غذا، ازدیاد نیروی
شنیدن و دیدن و محکم شدن پشت و کمر می شود.

جهت رفع یبوست: خرمای برنی را ناشتا میل کنید و روی آن آب
بنوشید.

پی نوشت ها:

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۲۲

۲. توصیه های پزشکی عارفان، ص ۵۷

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۷

۴. نسخه شفا بخش خرما، ص ۲۵

۵. تفسیر نمونه، سوره نحل

۶. در محضر بهجت، کتاب سوم، ص ۱۵۸

۷. توصیه های پزشکی عارفان، ص ۸۲

۸. بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۱۲۰

۹. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۳۶۵، ج ۱۲، ص ۱۲۰۲

۱۰. طب النبی، ص ۷۹

۱۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲۶



مضرات آب یخ

اگر آب یخ شما را در جوانی بیمار نکند در میان سالی شما را سخت بیمار خواهد کرد.

آب یخ باعث چسبیدن چربی دور عروق قلب شده و عامل انسداد ۴ رگ اصلی قلب و سکتة یا ایست قلبی می شود

شاید شنیده باشید افراد جوانی که ایست قلبی می کنند و از دنیا می روند، علت اصلی این اتفاق بد، نوشیدن آب یخ است.

آب یخ اولین و بزرگترین علت سیروز کبد و نابودی کبد محسوب می شود چون آب یخ باعث چسبیدن چربی دور جداره کبد می شود ...

متأسفانه بالای ۹۰ درصد کسانی که در انتظار پیوند کبد هستند قبلش به نوشیدن آب خیلی خنک عادت داشتند.

در کل نوشیدن آب یخ باعث از کار افتادن لوزالمعده و بیماری دیابت می شود.

آب یخ باعث از بین رفتن عاج روده و معده شده و موجب سرطان دستگاه گوارش می شود.



صافی مو

صاف کردن مو با روغن زیتون و روغن نارگیل

افراد کمی در مورد خواص روغن های مختلف و روغن هایی که مو را تغذیه می کنند، آگاهی دارند. برخی روغن ها و مصرف آن ها روی موی سر

می تواند موها را نرم و صاف کند.

برای مثال کافی است روغن نارگیل و روغن زیتون را با هم مخلوط کرده و به موها بمالید.

همچنین می توانید پس از چند روز استفاده از این مخلوط، به جای روغن زیتون از روغن بادام استفاده کنید تا موها نرم و صاف شوند.

برای استفاده از این روغن ها نیز باید آن ها را روی کف سر و موها مالیده و سپس موها را در یک حوله پیچید.

پس از این که موها ۴۵ دقیقه در حوله بودند می بایست آن ها را با شامپو شست تا روغن روی موها شسته شود.



شخصیت سالم

پس می‌توان گفت که شخصیت ما مجموعه‌ای از افکار، احساسات، هیجانات، رفتارها و واکنش‌ها است که از نوجوانی و جوانی در ما شکل می‌گیرد و تأثیرات آن بر تمام جنبه‌های زندگی سایه می‌افکند و در طول زندگی‌مان تقریباً الگوی ثابتی دارد.

اما شخصیت سالم واقعا چگونه است، چه خصوصیاتی دارد یا باید چه کیفیتی داشته باشد؟ برای پاسخ به این سوال لازم است دوباره به تعریف شخصیت در بالا نگاهی بیندازیم و به چند نکته دقت کنیم:

شخصیت هم شامل افکار، عقاید و برداشت‌های فرد است و هم شامل هیجانات، عواطف و احساسات و هم توانایی کنترل و مدیریت این هیجانات و احساسات، رفتار و برخوردهای ما در شرایط گوناگون نیز بخش مهمی از شخصیت‌مان را تشکیل می‌دهند.

افراد دارای شخصیت سالم حتی در شرایطی که برای شان مطلوب نیست می‌توانند خود را کنترل کنند و از خود انعطاف نشان دهند.

پس شخصیت را در صورتی می‌توان سالم دانست که صفات اخلاقی باعث شود تا بتواند روابط مناسب و پایداری با بیشتر افراد برقرار نماید، بتواند هیجانات و احساسات شدید و ناگهانی خود را کنترل کند یا آنها را به شکلی جامعه‌پسند بروز دهد و رفتارهایش با هنجارهای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند تفاوت اساسی نداشته باشد. افراد دارای شخصیت سالم حتی در شرایطی که برایشان دلخواه نیست می‌توانند خود را کنترل کنند و از خود انعطاف نشان دهند یا برای تغییر شرایط محیطی، اقدامات لازم را انجام دهند.

از منظر قرآن کریم، انسان بر اساس

شاکله خویش عمل می‌کند

یعنی انتخاب‌ها، رفتارها، واکنش‌ها، دوستی‌ها و دشمنی‌ها و چگونگی ابراز عواطف، در شخصیت و هویت وی ریشه دارد. شخصیت سالم، منشأ رفتارها و عواطف مثبت و سازنده است؛ شخصیتی که از سلامت برخوردار نیست، منشأ رفتارهای غیرمنطقی و ناشایسته است. «هر کس بر طبق روش و خلق و خوی خود عمل می‌کند» (سوره/ ۸۴) یک شخصیت سالم، متعادل، شاد و بدون استرس است. افراد سالم

شخصیت سالم را نباید در زمان‌ها جستجو کرد. شخصیت سالم به سادگی با شرایط روزگار سازگار است و توانایی عجیبی در پذیرفتن و لذت بردن از همه چیز را دارد.

او در زمان حال زندگی می‌کند، مانند کودکان و جانوران از گذشته عبرت می‌گیرد و به فکر آینده است ولی نگران آن نیست. او برای خود ارزش قابل است، برای همین گهگاه نیاز به خلوت و تنهایی دارد. گاهی برای مردم عادی مشکل است که او را دوست بدارند چون در برابر آزادی عمل در زندگی‌اش بسیار سرسخت و مصر است.

او هرگز به دنبال تایید یا تحسین دیگران نیست، هر چند تأثیر مثبت تشویق را می‌داند.

او در برابر تفاوت‌های ظاهری انسان‌ها ناپسند نیست. او فردی مریض احوال نیست. اگر بیمار می‌شود این توانایی را دارد که تسلیم بسیاری از بیماری‌ها نشود.

او به دنبال شایعه پراکنی و یاهو گویی نیست، چون اصولاً وقتی برای آن‌ها ندارد.

او خلاق و سرشار از انرژی است.

او برای ارضای تمایلات درونی خود تلاش می‌کند. پس‌پند و اندرزهای نامطلوب دیگران او را دچار تردید نمی‌کند.

او ساده، صادق و بی‌ریاست.

او در پی شادمانی نیست، بلکه به راستی زندگی می‌کند و شادمانی پاداش اوست. شما هم می‌توانید شخصیتی سالم داشته باشید تنها کافی است که تصمیم بگیرید چنین باشید.

شخصیت سالم

مواردی از قبیل اینکه وقتی به دیگران می‌رسید چگونه رفتار می‌کنید، یا موقع عصبانیت چه طور واکنش نشان می‌دهید، یا مثلاً وقتی کسی به شما محبت می‌کند، از رفتار او چه برداشتی می‌کنید و چگونه به آن پاسخ می‌دهید، همگی با نوع شخصیت شما ارتباط دارد.



- در مشکلات و سختی‌ها شکیبایی می‌ورزد و در اندیشه و عبادات و رفتار پابند به دین است.
۷. آرامش در گفتار و رفتار دارد
۸. از دخالت در امور خصوصی مردم می‌پرهیزد و از تجسس، غیبت، تهمت و عیب‌جویی خودداری می‌کند.
۹. در خوبی‌ها با مردم همکاری می‌کند
۱۰. با همسر حسن معاشرت دارد.

نظم درونی و کنترل بر نفس دارند. آن‌ها با خود صادق هستند. آن‌ها توانایی زیادی برای درک دیگران دارند و به خوبی می‌دانند که چگونه با مردم رفتار کنند. آن‌ها از ایمان قوی نسبت به خود بر خور دارند. آن‌ها به جای پیروی از اکثریت همیشه به درون خود گوش می‌دهند. فردی دارای سلامت روانی و رضایت، شادی را به دست می‌آورد و بیشترین تلاشش را برای شناخت خویش انجام می‌دهد. چنین افراد سالمی کمک زیادی برای شادی و سلامت جامعه هستند

ویژگی‌های شخصیت سالم

۱. حقیقت‌جو و طالب دانستن است. او سرشار از استعداد برای فراگیری است.
۲. خودشناسی: اساس همه مشکلات فردی و اجتماعی، در بی‌توجهی به معرفت خویشتن است. انسانی که خود را نمی‌شناسد، در برقراری روابط با خود و دیگران عاجز است. چون خود را نمی‌شناسد، خدا را نیز نمی‌شناسد. از مراحل خودشناسی این است که بداند تایی‌نهایت قدرت صعود یا سقوط دارد.
- او می‌تواند پست‌تر از حیوان، یا برتر از ملک شود. آدمی با کنترل و تعدیل غرایز و بندگی در برابر حق، به مقام انسانیّت یار می‌یابد. انسان می‌تواند به مقام خلیفه الهی نایل شود. کسی که فقط به ابعاد حیوانی خود بها می‌دهد، به حیوانی تمام‌عیار تبدیل می‌شود؛ یعنی تفکر و رفتار او حیوانی است.
۳. پویایی و خودشکوفایی: شخصیت سالم برای رسیدن به بلندی و شکوفایی استعداد خود، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزد.
۴. سرشار از انرژی است و از تنبلی و کسالت بیزار است. شبانه‌روز برای بهتر زیستن می‌کوشد. او را متبسم می‌بینی، و همانند پلوی بزرگوار اسلام حضرت زینب(ع) در اوج سختی‌ها و بحران‌ها، آرامش خود را از دست نمی‌دهد و تلخ‌ترین حوادث را زیبا می‌بیند.
۵. خشوع در برابر خداوند و تواضع و فروتنی در مقابل خدا و مردم، منش همیشگی اوست.
۶. به جای بدگمانی، خوشبین و به جای منفی‌نگری مثبت‌نگر است.



دفاع مقدس

کلام امام خمینی (ره)

ما افتخار می کنیم که در این نبرد طولانی و نابرابر، فقط با تکیه بر سلاح ایمان و توکل بر خدای بزرگ و دعای بقیه الله (عج) و اعتماد به نفس و همت دلاور مردان و شیر زنان صحنه کارزار، به پیروزی رسیده ایم و خدا را سپاس می گزاریم که منت هیچ قدرت و کشور و ابر قدرتی در جنگ بر گردن ما نیست.

کلام امام خامنه ای

مقاومت بی نظیر مردم سلحشور ما در دفاع مقدس و دفع متجاوز در طول قریب به هشت سال، این ستم بزرگ را در رده ناموفق ترین تجربه استعمار در تاریخ معاصر ثبت نموده است.

۲۰ مهر تاسوعای حسینی

جواب ردّ حضرت ابوالفضل (ع) به امان نامه شمرین ذی الجوشن در روز نهم محرم، شمر برای حضرت ابوالفضل (ع) امان نامه آورد، مشروط بر اینکه از یاری حسین (ع) دست بردارند و سپاهش را ترک گویند. حضرت عباس فرمود: بریده باد دست تو و لعنت باد بر امانی که برای ما آورده ای.

۲۱ مهر عاشورای حسینی

عاشورا از عرفه آغاز شد و کربلا امتداد عرفات بود. حسین بن علی (ع) ایستاد و دعا کرد و گریست. انسانی در قامت عبد خدا، خدانشناسی کرد و انسان را شناساند. او در سکوی پرواز انسان، از زمین به آسمان، عرفانی ترین عرفات آدمیت را تعریف کرد؛ تا

بشر بداند تا کجا می شود پرواز کرد، پروازی به پیشواز پرواز، از عروج روح در حریم تا معراج شهادت در حرم و از خیام منا و عرفات تا خیام کربلا و شامات.

۲۳ مهر شهادت امام زین العابدین (ع)

ورود کاروان اسیران کربلا به کوفه، امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) در مدت اقامت در کوفه، وظیفه و رسالت خود را مبنی بر ابلاغ و نشر پیام امام حسین (ع) در جامعه، به شایستگی انجام دادند.

شهادت حضرت امام زین العابدین (ع) به روایتی و به روایتی دیگر ۲۵ محرم شهادت امام سجاد (ع) می باشد.

زمان امام سجاد (ع) پر از اختناق و تقیه بود و کسی در برابر جاسوسان بنی امیه، مجال نفس کشیدن نداشت، با این حال، امام از ارشاد و نشر احکام اسلام فروگذاری نکرد.

۱۳ آبان روز دانش آموز

امام خمینی (ره)

من امید این را دارم که مقدرات مملکت بعد از این به دست شما عزیزان بیافتد و مملکت ما را شما عزیزان حفظ کنید.

رهبر معظم انقلاب

سربازان حقیقی انقلاب شما هستید و انقلاب، چشم انتظار شماست.

۱۴ آبان ولادت امام محمد باقر (ع) ۳۰ صفر

۲۴ آبان روز کتاب و کتابخوانی

امروز کتابخوانی و علم آموزی، نه تنها یک وظیفه ملی، که یک واجب دینی است. برای یک ملت، خسارتی بزرگ است که افراد آن، با کتاب سر و کاری نداشته باشد.

اربعین شد دل در سفر کربلا

از سحر آراکمید چاکر



اربعین شد دل در سفر کربلا
از سحر آراکمید چاکر

۹ آذر رحلت رسول اکرم (ص)، شهادت امام حسن مجتبی (ع) ۲۸ صفر

سلام بر تو ای فرستاده خوبی‌ها، ای مهربان‌ترین فرشته خاک. تو از ملکوت آسمان به زمین فرا خوانده شدی تا انسان را با معنای واقعی‌اش آشنا کنی. تو، آفتاب روشن حقیقت بودی در شام تیره زندگی. از مشرق دل‌ها برآمدی و اکنون، آسمان تب دار غروب جانگداز توست. نامت بلند و دینت پر رهرو، ای جاری‌تر از حیات در پیکر آدمی!

و

سلام، غریب تر از هر غریب!

سلام، مزار بی چراغ، تربت بی زائر، بهشت گمشده!

سلام، آتشفشان صبر، چشمان معصوم، بازوان مظلوم، زبان ستم‌دیده!

سلام، سینه شعله‌ور، جگر سوخته، پیکر تیرباران شده!

سلام، امام غریب من!

۱۰ آذر شهادت امام رضا (ع) ۲۹ صفر

حضرت رضا (ع) فرمود: «هر کس مرا در این شهر غریب زیارت کند، من در سه جا در روز قیامت نزد او خواهم آمد و او را از ترس رهائی می‌بخشم: وقتی نامه‌های اعمال را به دستش می‌دهند؛ هنگام عبور از صراط؛ و هنگامی که اعمال را در ترازوی اعمال قرار

می‌دهند.» عین اخبار الرضا ج ۲، ص ۲۵۹-۲۵۷

توقع من از همه مردم این است که کتاب و کتابخوانی را جدی بگیرند.

در جامعه اسلامی، کتابخوانی باید همگانی و فراگیر شود.

۱۸ آبان ولادت امام موسی کاظم (ع) ۷ صفر

۱ آذر اربعین حسینی

اربعین حسینی: روز زیارتی مخصوص حضرت سیدالشهداء

ورود جابرین عبدالله انصاری به سرزمین کربلا و زیارت قبر امام

حسین (ع)

ورود اهل بیت سیدالشهداء به کربلای حسینی

در این روز، بنابه روایتی کاروان اهل بیت (ع) پس از افشای ماهیت ضد

اسلامی یزید و حقانیت امام (ع)، به سرزمین کربلا بازگشتند و با

جابرین عبدالله انصاری دیدار کردند.

باز آمد اربعینی دیگر و ما خفته ایم

و چه غرق در گناهان دل به دنیا بسته ایم

کاروان می‌آمد از شهر دمشق

بر سر خاک شه سلطان عشق

کاروان آمد ولی شاهی نبود

بر بنی هاشم دگر ماهی نبود

ایر بر اشک عزادار حسین می‌نازد

عرش بر جلوه رخسار حسین می‌نازد

فرش بر گرمی بازار حسین می‌نازد

قبر شش گوشه به زوار حسین می‌نازد

کربلا هم به علمدار حسین می‌نازد

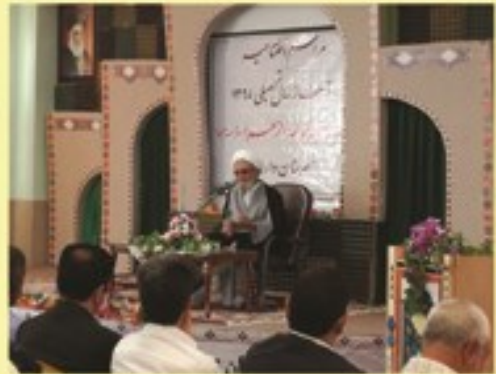
اخبار فرهنگی

قاصدک

معاون فرهنگی خاتم صادقی

مراسم افتتاحیه آغاز سال تحصیلی مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) داراب شهریور ماه ۹۵

برگزاری همایش غدیر و انتظار



افتتاحیه آغاز سال تحصیلی



همایش غدیر و انتظار

افتتاحیه آغاز سال تحصیلی



برگزاری برنامه های ویژه هفته دفاع مقدس در مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) داراب

غبارویی قبور شهدا



محفل انس با قرآن



شبی با شهدا



نشست سیاسی



گزارش پژوهشی

معاون پژوهش خاتم کمال

برگزاری فراخوان و نمایشگاه کتاب غدیر

معاون پژوهش مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) داراب با هدف ترویج و اشاعه فرهنگ غنی غدیر و تبیین مقام و فضائل حضرت علی (ع) در دهه ولایت و امامت اقدام به برگزاری فراخوانی با محوریت های مقاله نویسی، معرفی کتاب، دل نوشته، شعر و نمایشگاه کتاب غدیر نمودند. در همایشی که به این مناسبت برگزار گردید، به برگزیدگان مسابقات پژوهشی جوایزی به رسم یادبود اهدا گردید.



برگزاری کارگاه معرفی شبکه کوثرنت ویژه طلاب در حال تحصیل و فارغ التحصیل

معاونت پژوهش مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) داراب، در راستای عمل به منویات مقام معظم رهبری در زمینه ضرورت حضور طلاب و روحانیون در فضای مجازی و ترویج معارف و مفاهیم اسلامی جهت ترغیت بیش از پیش طلاب در حال تحصیل و فارغ التحصیل اقدام به برگزاری سلسله جلسات و کارگاه های معرفی و بیان قابلیت های شبکه کوثرنت کردند و چگونگی ورود به سایت و نحوه بارگزاری مطلب را آموزش دادند. سپس پرورشور و جزوه آموزشی را بین طلاب توزیع نمودند.



گزارش آموزشی

سال تحصیلی ۹۵-۹۴ معدل کل مدرسه ۱۷/۱۵
و در صد قبولی ۹۷٪ می باشد.

معاون آموزش خاتم ائذری

ممتازین سال تحصیلی ۹۵-۹۴

پایه ۱

محدثه احمد لو رتبه اول با معدل ۱۹/۱۲
فاطمه نبی پور رتبه دوم با معدل ۱۹/۰۹
کبری علی خانی رتبه سوم با معدل ۱۸/۹۲

پایه دوم

سهیلا چمران رتبه اول با معدل ۱۹/۹۶
طاهره قلی زاده رتبه دوم با معدل ۱۹/۷۱
راضیه مصطفوی رتبه سوم با معدل ۱۹/۶۷
فاطمه چارگانه رتبه سوم با معدل ۱۹/۶۷

پایه سوم

فاطمه فرهادی رتبه اول با معدل ۱۹/۳۵
فاطمه شرافت رتبه دوم با معدل ۱۹/۰۲
رقیه دهقانی رتبه سوم با معدل ۱۸/۹۴

پایه چهارم

زهرا کارگر رتبه اول با معدل ۱۹/۵۸
طاهره رزمخواه رتبه دوم با معدل ۱۹/۱۶
سمیرا ارزاقی رتبه سوم با معدل ۱۷/۱۵

پایه پنجم

اسما بهروزی رتبه اول با معدل ۱۹/۴۷
الهه دهقانی رتبه دوم با معدل ۱۹/۱۵
نجمه فارس رتبه سوم با معدل ۱۸/۶۲

***قابل توجه طلاب

حضور طلاب در تمامی برنامه های آموزشی (اعم از جلسات درس و مباحثه) پژوهش و فرهنگی الزامی است. و طلابی که سقف غیبت های آن ها از حد مجاز بگذرد درس مربوطه حذف خواهد شد.
هر طلبه در طول تحصیل می تواند ۱ ترم مرخصی با آزمون و ۲ ترم مرخصی بدون آزمون بگیرد و شرط مرخصی با آزمون معدل ترم قبل بالای ۱۶ می باشد، البته به ازای هر زایمان ۱ ترم مرخصی بدون احتساب در سنوات تحصیلی می باشد.

طلبه ای که معدل نیم سال زیر ۱۴ کسب کند، مشروط حساب شده و ترم بعد فقط می تواند ۱۴ واحد درس انتخاب نماید.
تعداد ترم های مشروطی حداکثر ۴ ترم و اگر بیشتر از ۴ ترم باشد طلبه از حضور در مدرسه علمیه محروم شده و باید آزمون بازپذیری بدهد.
طلابی که متقاضی تغییر دوره از حضوری تمام وقت به غیر حضوری یا ... هستند تقاضای خود را برای نیم سال دوم آخر ماه و برای نیم سال اول خرداد ماه تحویل آموزش دهند.

***توجه توجه

طلابی که متقاضی مهمان شدن یا انتقال به مدرسه علمیه دیگری هستند، تقاضای خود را ۳ هفته قبل از شروع ترم به واحد آموزش تحویل دهند.



پیام رسان سروش

نیاز به مسیرهای ارتباطی دو طرفه و وجود نرم افزارهای پیام رسان خارجی متخصصین و جوانان با استعداد ایرانی را برانگیخت تا اقدام به ساخت و ارائه نرم افزار بومی کنند که ضمن دارا بودن قابلیت های نرم افزارهای مشابه خارجی از قهیل واتس اپ، وایبر و تلگرام دارای ویژگی های منحصر به فردی می باشد.

نرم افزار سروش با تأکید بر سهولت ایجاد رابطه تعاملی با مخاطبان ایجاد شده و نیازهای مخاطبین در سطوح مختلف را مورد توجه قرار داده است که با توجه به زیرساخت بومی آن، امید می رود که با یک برنامه آرام و پیوسته بتواند نقش خود را در جامعه ایرانی، پررنگ کند. نرم افزار سروش دارای نسخه های اندروید، iOS و دسکتاپ می باشد.

طلاب گرامی لطفاً برای حمایت از نرم افزار ملی «پیام رسان سروش» این نرم افزار را همانند تلگرام بر روی گوشی های خود نصب نموده و در اسرع وقت شماره و مشخصات خود را به واحد بسیج مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) اعلام نمایید. تا به این وسیله بتوانیم در راه داشتن فضای مجازی پاک قدم مثبتی برداریم.

لن شاه الله





مقام معظم رهبری

درسی که اربعین به ما می دهد، زنده نگه داشتن یادِ حقیقت

و خاطره شهادت در مقابل طوفان تبلیغات دشمن است.

الحمد لله
عمر الشیخ
العلیه السلام





کتابخانه علمی، فرهنگی، پژوهشی، نشری

مدرسه عالی فاطمه الزهرا (س) داراب

شماره ۴، مهر - ۱۵ آذر ۹۵